



صف بنزین، سفر، سرمایه گذاری و بازار

خودرو در هر شرایطی می تازد

گروه اقتصادی | پس از حمله رژیم صهیونیستی به ایران، نخستین شهری که مورد هدف قرار گرفت، تهران بود؛ شهری که بیشترین جمعیت ایران را در دل خود جای داده و در روزهایی که آسمان آن میزبان صدای آژیر و اضطراب بود، پایتخت شاهد موجی قوی تر در خیابان هایش بود؛ موجی از تصمیم، تردید و واکنش های اقتصادی؛ از ترک شتاب زده شهر گرفته تا جهش ناگهانی تقاضا در بازار خودرو. در آن شرایط، حملات پهلپاده ها نه تنها خطر نظامی، بلکه تهدیدی مستقیم برای بنیان های شهری و ساختار اجتماعی -اقتصادی پایتخت تلقی می شد. گرچه رادارها و پدافند ایران در مقابل حمله ایستادگی کردند اما تخریب برخی مناطق مسکونی فضای روانی نگران کننده ای را ایجاد کرد که در آن، احتمال آسیب به شهروندان افزایش یافت. همین مؤلفه، نقش محرکی برای شکل گیری تصمیم های برای خروج از پایتخت ایفا کرد و بسیاری به فکر خروج از شهر افتادند. زمانی که رژیم صهیونیستی هشدار تخلیه تهران را صادر کرد و ترامپ نیز در شبکه اجتماعی اعلام کرد که تهران باید تخلیه شود، این هشدارها به محرک های روانی -سیاسی نیرومندی بدل شد که موج خروج از تهران را با شدت بیشتری رقم زد. در نتیجه، واکنش و زنجیره ای بازارها نیز آغاز شد. بازارهایی که پیش از آن نسبتاً باثبات یا در حالت رکود بودند، ناگهان با تقاضای جدید و فرایندهای مواجه شدند؛ از جمله بازار خودرو که زیر فشار تحولات اجتماعی ناشی از بحران، واکنش قابل توجهی نشان داد.

افزایش تقاضا در بازار خودرو

بسیاری از افرادی که ماشین نداشتند و امکان تردد

برای آنها وجود نداشت، تقاضای جدیدی را در بازار خودرو به وجود آوردند. این تقاضای اضطراری، موجب شد قیمت خودرو نیز افزایش یابد. این در حالی بود که بازار خودرو پیش از آن در رکود به سر می برد و حتی بسیاری تصور می کردند که با سیاست های جدید دولت برای آزادسازی واردات خودروهای دست دوم و افزایش ارز واردات خودرو به حدود دو میلیارد دلار، این رکود ادامه پیدا می کند و حتی احتمال اینکه قیمت ها نیز تعدیل شود، وجود دارد. البته در همین روزهای پایانی جنگ، دولت مصوبه افزایش ۱۵ درصدی قیمت محصولات سایپا را صادر کرد؛ تصمیمی که خود به تنهایی پتانسیل اثرگذاری بر بازار را داشت. با این حال، نمی توان تأثیر موج تقاضا را بر بازار خودرو نادیده گرفت چرا که این مسئله منجر می شود که تعادل عرضه و تقاضا به هم بخورد و این موضوع، به گرانی خودرو و افزایش حباب قیمت ها دامن می زند.

توزیع ناعادلانه خودرو در پایتخت

در حال حاضر در تهران برخی خانواده ها به تعداد اعضای خانواده خودرو دارند. به همین دلیل، اگر در تهران بیش از چهار میلیون خودرو وجود دارد، برخی از خانواده های سه یا چهار نفره سه یا چهار خودرو دارند. این به روشنی نشان می دهد که توزیع مالکیت خودرو در پایتخت نابرابر است؛ هستند خانواده هایی که هیچ خودرویی ندارند و همین مسئله منجر شده که در زمان جنگ بازار خودرو تقاضا داشته باشد. البته در شرایطی که جنگ ها طولانی می شوند، عمدتاً خانواده هایی که چند خودرو دارند متوجه می شوند که این تعداد خودرو برای آنها اضافه است

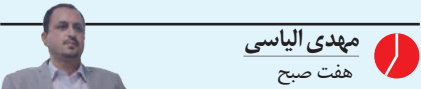
و در شرایط ترک شهر نمی توانند همه خودروها را با خود ببرند. به همین دلیل، عمدتاً در جنگ های طولانی، در بازار خودرو قیمت ها می تواند تعدیل شود چون افراد خانواده هایی که چند خودرو دارند، تعداد خودرو اضافی را به بازار عرضه می کنند تا آنها را تبدیل به پول نقد کنند که راهی برای کاهش آسیب های اقتصادی در دل بحران است. بنابراین، شاید اتفاقاتی که در تقاضای بازار خودرو تهران رخ داد، یک واکنش اولیه بود و در ادامه می توانست نتیجه معکوس داشته باشد. درواقع بسیاری از افرادی که به سرعت شهر را ترک کرده بودند، دوباره برمی گشتند و خودروهایی که اضافه در پارکینگ نگهداری می کردند را در بازار عرضه می کردند. به طور قطع، این موضوع می توانست منجر به افزایش عرضه و کاهش قیمت ها شود.

۷۰۰ هزار خودروی بلوکه در تهران

به طور کلی در تهران بیش از ۷۰۰ هزار خودرو در پارکینگ ها بلوکه هستند. برخی آنها را برای سرمایه گذاری نگهداری می کنند تا پس از افزایش قیمت، این خودروها را گران تر بفروشند. برخی هم برای فرزندان خود خودروهایی خریدند که چندان استفاده ای از آن نمی کنند و فقط کاربرد دور دور در شب های تهران دارد. بنابراین با توجه به اینکه در تهران بیش از ۴.۲ میلیون خودروی سواری در حال تردد است، این رقم در شهری با جمعیت حدود ۹ میلیون نفر به این معناست که به طور میانگین به ازای هر دو نفر، یک خودرو وجود دارد. اگر در شرایط بحرانی مانند جنگ، به صورت عرضه فشرده و ناگهانی در بازار خودرو بروز کند، همان ۷۰۰ هزار خودرو اضافی

سقوط بازار سرمایه؛ روزی یک درصد یا سه درصد؟

نگرانی سهامداران خُرد از بازگشایی بازار سرمایه



بازار سرمایه به عنوان حساس ترین بازار به تحولات سیاسی در دو هفته اخیر و با وقوع جنگ میان ایران و اسرائیل با یک ریسک بزرگ مواجه شد. این ریسک که فراتر از تابآوری بازار بود، تعطیلی موقت بورس تهران را به دنبال داشت. با آغاز آتش بس و پایان جنگ در حالی در آستانه بازگشایی بازار سرمایه هستیم که عموم فعالان این بازار نگران سقوط بزرگ پس از اعلام آغاز به کار بازار سرمایه هستند. نگرانی سهامداران خُرد هم از سایرین بیشتر است و با این اضطراب منتظر گشایش بازار هستند که مبادا سرمایه اندک شان به کلی از بین برود.

برای بررسی نگرانی ایرانی روزهای فعالان بازار سرمایه، با یوسف اصلائی، تحلیلگر بازارهای مالی به گفتگو نشستیم که در ادامه می خوانید:

پس از آغاز جنگ میان ایران و اسرائیل، بازار سرمایه به درستی به طور موقت، تعطیل شد. اینکه با شروع آتش بس، زمزمه بازگشایی بورس به گوش می رسد. اما ابهام بزرگی که برای فعالان بورس اوراق بهادار، به خصوص فعالان خرد بازار وجود دارد این است که بازگشایی بازار چه اتفاقی برای رخ می دهد؟ برخی پیش بینی کرده اند که شاهد افت قیمت های سنگین باشیم. تصور و تحلیل شما چیست؟

چیزی که تا الان مشخص شده این است که پس از اعلام آتش بس و در حالی که به زودی بازار سرمایه بازگشایی می شود، سازمان بورس ساز و کارهای حمایتی لازم برای پشتیبانی از بورس را در نظر گرفته است. مسئله اصلی این است که بازار سرمایه با چه دامنه نوسانی باز شود. نکته دیگر این است که حجم معاملات چقدر باشد زیرا مهم است که دامنه نوسان با چه حجمی از معاملات، پُر می شود. به نظر می رسد در خصوص دامنه نوسان هنوز تصمیم گیری نشده است. در روزهای گذشته دیدم در برخی گروه های فضای مجازی در خصوص دامنه نوسان در حال نظرسنجی از فعالان بازار سرمایه هستند. اینکه بازار با دامنه نوسان یک درصد بازگشایی شود یا ۳ درصد اکنون محل اختلاف میان فعالان و کارشناسان بورسی است. همینطور یک موضوع مورد بحث این است که میانگین حجم معاملات چقدر باشد که روی قیمت تأثیر بگذارد. به نظر می رسد در این ۲ مورد هنوز تصمیم گیری خاصی نشده است.

ریزش بازار پیش از حمله اسرائیل، آغاز شده بود بازار سرمایه، بازاری است که به ریسک های سیاسی بسیار حساس است. جنگ میان ایران و اسرائیل، رویدادی فراتر از یک ریسک سیاسی بود و عملاً کشور وارد جنگ شد. در واقع عملاً جنگ به وجود آمد و حتی بحث حمله نظامی به زیرساخت ها و شرکت های پالایشی و پتروشیمی مطرح بود. آیا قبول دارید در این شرایط بازگشایی بازار بدون پشتیبانی و حمایت لازم، اشتباه و آسیب زا است؟

بله قطعاً بازگشایی بورس بدون حمایت، اشتباه است. در روزهای اخیر طبق صحبت هایی که من با برخی مدیران و تصمیم گیران بازار سرمایه داشتیم، تصمیم بر این است که حمایت های خوبی از بازار بشود که افت بیشتری در



قیمت ها رخ ندهد. می دانید که پیش از آغاز جنگ میان ایران و اسرائیل نیز بازار شروع به ریزش قیمت کرده بود و یک اصلاح ۲۰ الی ۲۵ درصدی را تجربه کرده بود. در همان وضعیت اصلاح بودیم که جنگ ایران و اسرائیل آغاز و بازار کلا بسته شد.

دامنه نوسان پیش از درگیری ایران و اسرائیل ۳ درصد بود. با توجه اهمیت موضوع دامنه نوسان و تأثیر مهم آن در روند بورس، اینکه بازار با چه دامنه نوسانی بازگشایی شود بسیار مهم است. این روزها اینکه بازار با چه دامنه نوسانی باز شود بسیار محل بحث است. نظر شما چیست؟

امکان دارد دامنه نوسان با بازه یک درصد بازگشایی شود. من فکر می کنم دامنه نوسان را یک درصد بکنند. من هم موافق بازگشایی بازار با دامنه نوسان یک درصد هستم.

خروج ۲۰ همت از بازار پس از بازگشایی معامله صندوق در آمد ثابت

آیا دامنه نوسان یک درصد انگیزه ای برای فعالیت فعالان بازار سرمایه به خصوص فعالان حقیقی باقی می گذارد؟ با دامنه نوسان یک درصد فردی که سهم یک شرکت را خریده در بهترین حالت یک درصد سود می کند. الان با توجه به وجود بازارهای موازی مانند بازار رمزارزها و با التفات به اینکه در این بازارها محدودیتی در نوسان وجود ندارد و کسب سودهای بالا حتی در یک روز هم ممکن است، به نظر می رسد دامنه نوسان یک درصد بسیاری را به بازارهای موازی سوق خواهد داد.

بله طبیعتاً تنها هدف سازمان بورس این است که جلوی پنیک و اضطراب بازار سرمایه را بگیرند. در حال حاضر بازار سرمایه قطعاً در کوتاه مدت، جذابیت ندارد. قطعاً اطلاع داری که خرید و فروش صندوق های در آمد ثابت در وسط درگیری های ایران و اسرائیل بازگشایی و معامله شدند. یعنی پیش از آغاز آتش بس صندوق های در آمد ثابت در حال معامله شدن بودند. بازگشایی معامله صندوق های در آمد ثابت باعث خروج حدود ۲۰ همت در همان روز اول شد. یعنی صندوق در آمد ثابت با اینکه یک گزینه و ابزار بدون ریسک است اما مردم نگران بودند و در حال فروش

طرفدار بازگشایی بازار با دامنه نوسان یک درصد هستم

در نتیجه با توضیحاتی که دادید، اینکه دامنه نوسان یک درصد شود را لااقل در کوتاه مدت، خوب می دانید این اقدام را عاملی برای سوق دادن مردم به سوی بازارهایی مانند رمزارز نمی دانید.

بله. من کاملاً در شرایط فعلی کاملاً طرفدار دامنه نوسان یک درصد هستم. در خصوص رمزارزها باید بگویم که آن بازار هم اکنون یک بازار پُر ریسک است. می دانیم که چین جنگ ایران و اسرائیل، سایت نوبیتکس به عنوان بزرگترین صرافی ایرانی رمزارز، هک شد. این یک اتفاق بسیار مهم بود. بخشی از موجودی کیف پول ها خارج شد. البته مسئولان نوبیتکس اعلام کردند که زبان افراد را جبران خواهند کرد اما به هر حال اعداد بزرگی از کیف پول افراد در نوبیتکس خارج شد.

یک راه دیگر این است که افراد برای فعالیت در بازار رمزارزها با صرافی های خارجی کار کنند که آن هم ریسک های خاص خودش را دارد که فعالان این حوزه نسبت به آن ریسک ها آگاه هستند. یکی از مهم ترین مشکلات برای خرید و فروش رمزارز وضعیت آزار دهنده این روزهای اینترنت است. بحران هک شدن سایت نوبیتکس بسیاری از ترسانده است.

در خصوص بازگشایی صندوق های در آمد ثابت تأکید کردید که این بازگشایی خوب مدیریت شد. با توجه به اینکه صندوق های در آمد ثابت بخش بدون ریسک بورس است، آیا بهتر نیست فعالان خُرد بازار فعلاً با توجه به شرایط نا پدیدار بازار، با خرید صندوق های در آمد ثابت، فعالیت مجدد در بورس را آغاز کنند؟

بله پیشنهاد خوبی است. در حال حاضر بخشی از پرتفوی صندوق های در آمد ثابت، سهام شرکت ها است. اگر چه عدد کوچکی است اما وجود دارد. یک بخشی از پرتفوی صندوق های در آمد ثابت، اوراق مشارکت دولتی است که مشخص نیست دولت چقدر توان ایفاي تعهداتش را دارد. در نتیجه در شرایط کنونی صندوق های در آمد ثابت هم بدون ریسک نیست. درست است که جنگ تمام شده اما بازار سرمایه به عنوان حساس ترین بازار به تحولات سیاسی و به خصوص جنگی، همچنان در شوک جنگ است. به نظر من در ابتدای بازگشایی بازار سرمایه باید اندکی صبر کرد و شکایا بود. البته در مجموع بر آورد من در خصوص صندوق های در آمد ثابت مثبت است. در کل به نظرم فعلاً باید در مورد تردید و معامله گری در هر باز یار باید احتیاط کرد. این احتیاط شامل بازار طلا و دلار و رمزارز هم هست.

وضع بازارهای موازی نیز خوب نیست

به نظر می رسد مجموع تحولات به گونه ای بوده که در بازارهایی مانند مسکن، طلا و دلار هم ابهام ها بسیار است. مثلاً اگر کسی ۵ ماه پیش ملک، طلا یا دلار خریده، سود خاصی نکرده و در بسیاری مواقع سر به سر است.

بله، دقیقاً همینطور است. اینطور نیست که وضعیت سرمایه گذاران در بورس بحرانی باشد، در سایر بازارها هم سود خاصی مشاهده نشده است. به نظر من در حال حاضر برای پول های بزرگ، گواهی سپرده بانک ها بهتر است. پول های خرد هم اگر بخشی از آن دست خود فرد در حساب بانکی اش باشد و بخش دیگرش در صندوق های در آمد ثابت باشد شاید بهتر است چون به سادگی نقد می شود و قابل مدیریت کردن است.

پیشنهاد شما به فعالان حقیقی و خرد بازار سرمایه چیست؟

پیشنهاد من همان پیشنهاد همیشگی است که همه از رفتار هیجانی بپرهیزند. با تجربه حمایتی خوبی که از صندوق های در آمد ثابت داشتیم از بازار حمایت های خوبی خواهد شد. شنیده ها حاکی از آن است که قرار است صندوق های اهرمی، صف فروش سهام بزرگ را جمع و صندوق تثبیت بازار هم به سهامداران خرد این است که پس از بازگشایی بازار فوری به صف فروش نروند و با زیان کامل از بازار خارج نشوند. باید دید پشتیبانی از بازار چگونه است و بعد تصمیم گرفت. من مطمئن هستم از بازار حمایت خواهد شد.

سرمایه گذاری شرکت های ایرانی در قله های هوش مصنوعی

جهش به عصر هوشمند ایرانی



هفت صبح

در حالی که موج جهانی هوش مصنوعی به سرعت در حال گسترش است، شماری از شرکت ها و استارت آپ های ایرانی نیز با بهره گیری از API مدل هایی مانند ChatGPT و توسعه سامانه های بومی، به سمت پیاده سازی فناوری های هوش مصنوعی در خدمات، محصولات و زیرساخت های خود حرکت کرده اند. کارشناسان این روند را آغاز یک تحول تدریجی در اقتصاد دیجیتال کشور می دانند.

هوش مصنوعی در زیرساخت های ایران

در چند سال گذشته، هوش مصنوعی از یک مفهوم علمی به ابزاری کارآمد و حیاتی برای شرکت های کوچک و بزرگ در جهان تبدیل شده و حالا نشانه هایی از ورود این موج فناوریانه به فضای کسب و کار ایران نیز دیده می شود. بررسی های نشان می دهد که طی یک سال گذشته، تعداد استارت آپ ها و شرکت های خصوصی ایرانی که از فناوری های هوش مصنوعی در پروژه های خود استفاده می کنند، به طور قابل توجهی افزایش یافته است. از تحلیل داده های بازار و رفتار مصرف کننده گرفته تا چت بات های پاسخ گو، پردازش زبان فارسی، سامانه های پیشنهاددهنده و پشتیبانی هوشمند از مشتری، هوش مصنوعی به تدریج در زیرساخت شرکت های داخلی جا باز کرده است.

توسعه هوش مصنوعی فارسی

یکی از نکات قابل توجه در این روند، استفاده مستقیم برخی شرکت های ایرانی از قابلیت های مدل های هوش مصنوعی جهانی مانند ChatGPT در سامانه ها و خدمات دیجیتال شان است. این شرکت ها با اتصال نرم افزارها و زیرساخت های خود به API این مدل ها، درواقع قدرت پردازش زبانی و تحلیلی را از بیرون تأمین می کنند و در دل برنامه های خود به کار می گیرند. به عبارت دیگر، هسته هوش مصنوعی مورد استفاده در بسیاری از سرویس های داخلی، از طریق ارتباط با پلتفرم های خارجی تأمین می شود؛ کاری که به شرکت ها امکان می دهد بدون نیاز به توسعه فنی گسترده، خدمات هوشمند را در زمان کوتاه تر راه اندازی کنند.

به طور خاص پلتفرم های آموزش آنلاین، خدمات مالی، فروشگاه های اینترنتی و سامانه های مشاوره پزشکی از جمله حوزه هایی هستند که به سرعت از این فناوری ها بهره می برند. برخی از استارت آپ ها با ترکیب API های خارجی با داده های بومی و فارسی، موفق به ارائه راهکارهایی بومی شده و رقابتی شده اند. در کنار استفاده از این ابزارهای بین المللی، تیم های فنی ایرانی نیز در حال تلاش برای توسعه مدل های هوش مصنوعی مخصوص زبان فارسی هستند. هر چند این مسیر با چالش هایی همچون کمبود داده، هزینه بالای آموزش مدل ها و محدودیت های سخت افزاری همراه است، اما گام های اولیه برداشته شده و مورد توجه جامعه فناوری کشور قرار گرفته است.

موانع توسعه

با وجود این پیشرفت ها، فعالان حوزه فناوری از مشکلاتی همچون دسترسی محدود به سرویس های بین المللی به دلیل تحریم ها، نبود زیرساخت های ابری قدرتمند، محدودیت های اینترنت و کمبود سرمایه گذاری بلندمدت سخن می گویند که رشد سریع تر این حوزه را محدود کرده است.

کارشناسان در این زمینه به خبرنگار هفت صبح گفت: «شرکت های ایرانی برای دسترسی به API های خارجی اغلب مجبورند از مسیرهای پیچیده و غیرمستقیم استفاده کنند که هزینه ها را بالا می برد و پایداری خدمات را کاهش می دهد. حمایت های دولتی و استارت آپ های ملی می تواند به تقویت زیرساخت ها و توسعه بهتر این فناوری ها کمک کند.»

افق آینده

کارشناسان اقتصادی و فناوران معتقدند که ورود هوش مصنوعی به ساختار کسب و کارهای ایرانی می تواند باعث کاهش هزینه های عملیاتی، افزایش بهره وری، بهبود کیفیت خدمات و خلق فرصت های شغلی جدید شود؛ مشروط بر آنکه حمایت های لازم و دسترسی به زیرساخت ها فراهم شود. به نظر می رسد سرمایه گذاری روی هوش مصنوعی دیگر تنها یک گزینه فناوریانه نیست، بلکه به یک ضرورت استراتژیک برای شرکت های ایرانی تبدیل شده است.



می تواند مبنایی برای طراحی ابزارهای مداخله ای مانند مالیات بر خودروهای بلااستفاده، مشوق های عرضه اضطراری یا تسهیل فروش خودروهای مازاد در پلتفرم های رسمی باشد.

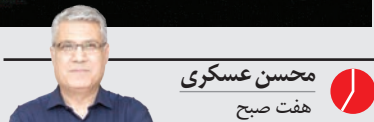
به عبارتی با بازگشت تدریجی برخی از شهروندانی که تهران را ترک کرده بودند، بازار خودرو آرام شد و حتی شاهد حضور فروشندگان خردی شده که عمدتاً مالکان خودروهای بلااستفاده یا مازاد بودند. خودروهایی که تا پیش از جنگ، نقش دارایی غیرفعال یا ذخیره سرمایه ای را ایفا می کردند، اکنون به عنوان ابزاری برای تأمین نقدینگی یا جابه جایی دارای وارد بازار می شوند. این تغییر رفتار، نمود باری از چرخه های تطبیقی درون جامعه ای است که در معرض فشار روانی شدید قرار گرفته بود.

بررسی پرونده‌های جاسوسی از احمد مقربی تا علیرضا اکبری

جاسوسان همیشه تیتریک هستند

● از کا.گ.ب تا موساد؛ جنگ در سایه‌ها ادامه دارد

● از ویلای ایر-بل در مارسی تا لرستان، جاسوسان مشغول کارند



محسن عسکری

هفت صبح

درست در روزهایی که آتش‌بس ناپایدار میان ایران و اسرائیل بر فضای منطقه سایه انداخته، جنگ پنهان‌تری در جغرافیای داخلی ایران در جریان است؛ جنگی که نه با موشک، که با حافظه‌های رم، دستگاه‌های رمزنگاری، و تجهیزات ترور رقم می‌خورد. در خیرها آمده بود که سسه نفر از عوامل وابسته به موساد که به اتهام وارد کردن تجهیزات ترور به کشور و همکاری با یک افسر ارشد موساد در یکی از کشورهای همسایه بازداشت شده بودند، پس از طی مراحل قضایی، در زندان ارومیه اعدام شدند. ادریس عالی، آزاد شجاعی و رسول احمد رسول، طبق مستندات دادگاه، در پوشش محموله مشروبات الکلی، تجهیزاتی را به داخل کشور منتقل کرده بودند که به ترور یکی از شخصیت‌های داخلی منجر شد. هم‌زمان، دادستان لرستان از بازداشت ده نفر به اتهام جاسوسی، تبلیغ علیه نظام و تلاش برای ایجاد ناامنی روانی خبر داد؛ بازداشت‌هایی که پس از حمله اخیر رژیم صهیونیستی و به دستور قضایی انجام شده‌اند و به گفته مقامات، بخشی از پاسخ اطلاعاتی ایران به جنگ چندلایه موساد در فضای حقیقی و مجازی است.

ایمن رخداده‌ها در خلأ روی نمی‌دهند. تاریخ امنیتی ایران در هفت دهه اخیر، از دوران پهلوی تا جمهوری اسلامی، بارها شاهد نفوذ مأمورانی بوده که از میان نخیکن نظامی یا نیروهای آشنا به سازوکارهای تصمیم‌گیری به دل شب تاریک سرویس‌های اطلاعاتی رفته‌اند. احمد مقربی، افسر عالی‌رتبه ارتش شاهنشاهی در سال ۱۳۵۶ و دهه‌ها بعد در دی‌ماه ۱۴۰۱، علیرضا اکبری، مقام ارشد نظامی و مذاکره‌کننده سابق هسته‌ای، هر دو به جرم جاسوسی برای سرویس اطلاعاتی بیگانه اعدام شدند؛ پرونده‌هایی که ابعاد پیچیده‌تری از جنگ اطلاعاتی مدرن را آشکار می‌کند. جذب از طریق سفارت، سفرهای پوششی، انتقال اطلاعات راهبردی در حوز: ده‌های نظامی، هسته‌ای، دیپلماتیک و تحریمی و سرانجام اجرای عملیات ضداطلاعاتی برای فریب دشمن و به دام انداختن عامل نفوذی. جاسوسی از اعدام سه نفر در ارومیه گرفته تا بازداشت ۱۰ متهم در لرستان در چنین زمینه‌ای معنا پیدا

می‌کنند. نبردی دیرپا، چندلایه و پنهان میان ایران و دستگاه‌های اطلاعاتی دشمنانش؛ نبردی که ابزار آن از دستگاه ضبط صوت دوران جنگ سرد، حالا به لپ‌تاپ‌های رمزنگاری‌شده و محموله‌های قاچاق‌شده بدل شده، اما صورت مسئله همچنان همان است که بود: نفوذ، اطلاعات، و امنیت ملی. اجرای احکام قضایی اخیر، تنها بخشی از خط مقدم این نبرد خاموش است؛ نبردی که نه با پایان جنگ‌های نظامی، بلکه با ورود به فازهای پیچیده تر روانی و اطلاعاتی، ابعاد تازه‌ای به خود گرفته است.

● احمد مقربی جاسوس شوروی در سال‌های جنگ سرد

در سال‌های پر آشوب دوران پهلوی، احمد مقربی، متولد ۱۳۰۰، نامی ماندگار در تاریخ جاسوسی ایران است. احمد مقربی اوایل دهه ۱۳۲۰، با محمود نیو، افسر اخراجی ارتش و عنصر اطلاعاتی شوروی، آشنا شد. نیو شرکتی به نام «آپ‌پاب» تأسیس کرده بود که پوششی برای فعالیت‌های جاسوسی‌اش بود. او با وعده‌های مالی، افسرانی مانند مقربی را به همکاری با سرویس اطلاعاتی شوروی (کا.گ.ب) ترغیب می‌کرد. مقربی، تحت تأثیر نیو، به شبکه جاسوسی او پیوست و اطلاعاتی را در اختیارش قرار داد، اقدامی که بعدها به عنوان خیانت به کشور شناخته شد.

با لو رفتن محمود نیو و فراری شدن وی در سال ۱۳۳۳، فعالیت‌های جاسوسی وی برمالش. نیروهای اطلاعاتی ایران برای اقدام کر دهند، اما نیو گریخت و برای همیشه ناپدید شد. برخی معتقدند او به خدمت کا.گ.ب درآمده بود، ولی سرنوشتش همچنان در هاله‌ای از ابهام است. در جریان حمله به دفتر نیو، مقربی به طن همکاری دستگیر شد، اما به دلیل نبود مدارک کافی، آزاد شد و به ارتش بازگشت. این آزادی به او فرصت داد تا در ارتش پیشرفت کند و به مقام جانشین رکن دوم ستاد بزرگ ارتشتاران برسد، پستی حساس که دسترسی به اطلاعات نظامی مهم را برایش فراهم کرد.

● **پیام‌های راد یویی و ارسال اطلاعات محرمانه** جاسوسی در اوج جنگ سرد. مقربی در سال‌های بعد، مخفیانه با کا.گ.ب همکاری کرد. او اطلاعاتی درباره سیستم‌های دفاعی ایران و تجهیزات نظامی خریداری‌شده از غرب را به شوروی منتقل می‌کرد. در دوران جنگ سرد، این اطلاعات برای غرب هزینه‌های



اعدام اکبری واکنش‌هایی را در پی داشت. جیمز کلورلی، وزیر امور خارجه بریتانیا، خواستار توقف حکم و آزادی فوری او شد. سنگگوی وزارت خارجه انگلیس نیز اعلام کرد که از خانواده اکبری حمایت می‌کند و موضوع را با مقامات ایرانی مطرح کرده است. وزارت اطلاعات ایران تأکید کرد که دشمن نمی‌داند کدام اطلاعات در یافتی‌اش واقعی و کدام فریبنده بوده است. قوه قضاییه نیز اعلام کرد اکبری اطلاعات راهبردی در زمینه‌های سیاست داخلی و خارجی، دفاعی، موشکی، مذاکرات هسته‌ای، و مسائل اقتصادی مرتبط با تحریم‌ها را از طریق لپ‌تاپ یا به‌صورت مستقیم به افسران اطلاعاتی انگلیس تحویل داده بود. این اقدامات، به گفته مقامات قضایی، اخلال شدیدی در نظم عمومی کشور ایجاد کرد.

جاسوسی، مانند دستگاه‌های ضبط صدا، کشف شد. مقربی در بازجویی‌ها تلاش کرد اتهامات را انکار کند، اما مدارک علیه او غیرقابل انکار بود. او در دی‌ماه ۱۳۵۶ اعدام و پرونده‌اش به‌عنوان مهم‌ترین پرونده جاسوسی دوران پهلوی ثبت شد.

● مقربی چگونه لو رفت؟

اسناد منتشر شده توسط مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی نشان می‌دهد سسه سازمان ساواک، اداره دوم ارتش، و سازمان سیا در این پرونده دخیل بودند و با این همه چند فرضیه در خصوص چگونگی لو رفتن مقربی مطرح شده است. این طور روایت می‌شود که یکی از مأموران ساواک به طور اتفاقی مقربی را در حالی می‌بیند که با مأموران شوروی ارتباط برقرار کرده بود. این ماجرا سرنخ مهمی به دست مأموران سساواک می‌دهد تا وی را تحت نظر بگیرند و سرانجام وی را دستگیر کنند. گروه دیگری این فرضیه را مطرح می‌کنند که مأموران سازمان امنیت و اطلاعات وقت با بررسی‌های

فرآوانی داشت و از منظر ایران، نقض امنیت ملی محسوب می‌شد. مقربی برای انتقال اطلاعات محرمانه ارتش از دستگاه ضبط صوت ویژه‌ای استفاده می‌کرد که می‌توانست پیام‌هایش را تا پانصد متر ارسال می‌کرد. مأموران کا.گ.ب با ماشین‌های پلاک سیاسی در اطراف خانه‌اش می‌ایستادند و این پیام‌ها را دریافت می‌کردند. استفاده از این روش پیچیدگی عملیات جاسوسی مقربی را نشان می‌دهد.

● دستگیری و محاکمه

سازمان اطلاعات و امنیت ایران، سرانجام فعالیت‌های مقربی را کشف و وی را دستگیر کرد. از قرار معلوم و بر اساس آنچه مأموران ساواک گزارش داده‌اند شبی که مقربی قرار بود با مأموران کا.گ.ب ارتباط برقرار کند، ساواک با ترتیب دادن تصادف ساختگی علاوه بر مقربی دو مأمور شوروی را هم‌زمان با او دستگیر کرد. این دو مأمور به دلیل مصونیت دیپلماتیک آزاد شدند، اما مقربی به جرم جاسوسی محاکمه شد. از او ابزارهای

همه‌جانبه و انجام عملیات‌های گسترده مأموران کا.گ.ب را تعقیب کرده و در نهایت به احمد مقربی می‌رسند. اداره دوم ارتش قبل از انقلاب مدعی است که اطلاعات ارتش به او مشکوک شد و ساواک او را تحت نظر گرفت تا اینکه سرانجام به دستگیری وی انجامید. اما عده‌ای نقش سازمان‌های اطلاعاتی خارجی مانند سیا یا M۱۶ را پررنگ می‌دانند و معتقدند سرویس‌های بیگانه در رقابت‌هایی که در دوران جنگ سرد میان دو بلوک شرق و غرب برقرار بود اطلاعات مربوط به احمد مقربی را به ساواک دادند شاید یکی از بستگان و نزدیکان مقربی وی را لو داده باشد. فرضیه‌های سوم و چهارم محتمل‌ترند، اما این معما همچنان حل نشده باقی مانده است.

● کا.گ.ب و پرونده مقربی بعد از انقلاب

کا.گ.ب به دنبال اطلاعات پرونده او بود و کوشید پرونده مقربی را در روزهای ابتدای انقلاب به دست آورد. سال ۱۳۵۸، محمدرضا سعادت، عضو سازمان منافقین، قصد داشت این اطلاعات را به سفارت شوروی بدهد، اما توسط کمیته انقلاب اسلامی دستگیر شد. این ماجرا اهمیت پرونده مقربی برای شوروی را نشان می‌دهد.

● علیرضا اکبری: الی کوهن ایران

دی‌ماه ۱۴۰۱، نام علیرضا اکبری، مقام ارشد پیشین ایران، با اتهام جاسوسی برای انگلیس در رسانه‌ها مطرح شد. اکبری، با سابقه طولانی حضور در نهادهای نظامی و امنیتی، به اتهام انتقال اطلاعات حساس به سرویس جاسوسی انگلیس (SIS) دستگیر و اعدام شد.

● آغاز زندگی و مسئولیت‌های کلیدی

علیرضا اکبری در ۲۹ مهر ۱۳۴۰ به شیراز به دنیا آمد. پس از انقلاب در انجمن اسلامی دانشجویان فعال بود و در دهه شصت، نقش مهمی در مذاکرات پایان جنگ ایران و عراق ایفا کرد. او مسئول سازمان نظامی اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت بود. در دولت اصلاحات، از ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۱، به‌عنوان معاون بین‌الملل وزارت دفاع تحت مدیریت علی شمخانی خدمت کرد. اکبری همچنین مشاور شمخانی در شورای عالی امنیت ملی، رئیس مؤسسه مطالعات راهبردی تصمیم، مشاور فرمانده نیروی دریایی، و معاون حوزه امنیتی دفاعی و روابط خارجی وزارت دفاع بود. در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶، در دوره

● جاسوسان برجسته جنگ جهانی دوم

نور عنایت‌خان (۱۹۴۴-۱۹۱۴): جاسوس هندی-بریتانیایی که در فرانسه اشنالی به‌عنوان اپراتور بی‌سیم برای متفقین فعالیت می‌کرد. او در سال ۱۹۴۳ دستگیر شد، تحت بازجویی قرار گرفت اما اطلاعاتی فاش نکرد و سرانجام در اردوگاه داخائو اعدام شد. اقدامات او یادآور خطرهای مرگباری است که جاسوسان متحمل می‌شوند. نانسی ویک (۲۰۱۱-۱۹۱۲): مأمور استرالیایی که در عملیات‌های مقاومت فرانسه نقش کلیدی ایفا کرد. با اقدامات جسورانه‌اش از دستگیری فرار می‌کرد و شبکه‌های ضدنازی را رهبری می‌کرد. موفقیت او در جنگ از منظر متفقین ارزشمند بود. ژوزفین بیکر (۱۹۷۵-۱۹۰۶): خواننده و بازیگر آمریکایی که در قالب هنرمند، اطلاعاتی برای مقاومت فرانسه جمع‌آوری می‌کرد. او از آزادی حرکتش در محافل اجتماعی برای انتقال پیام‌های رمزگذاری‌شده در نت‌های موسیقی استفاده می‌کرد. تجربه بیکر نشان می‌دهد که گاه هنر و فرهنگ می‌توانند به ابزاری برای فعالیت‌های پنهانی بدل شوند مسئله‌ای که در سیاست امنیتی بسیاری از کشورها حساسیت‌برانگیز است.



● ویرجینیا هال: زنی با پای چوبی که نازی‌ها را به زحمت انداخت

ویرجینیا هال، مأمور آمریکایی که در فرانسه اشنالی به فعالیت‌های جاسوسی پرداخت، یکی از چهره‌های پرآوازه در تاریخ جنگ جهانی دوم است. او متولد ۱۹۰۶ در بالتیمور است که پای چپش را در اثر حادثه‌ای از دست داد و از پای مصنوعی چوبی‌ای به نام «کاتبرت» استفاده می‌کرد. هال که به زبان‌های فرانسوی، آلمانی و ایتالیایی مسلط بود، نتوانست به دلیل ناتوانی جسمی وارد خدمات دیپلماتیک آمریکا شود. پس از سقوط فرانسه در سال ۱۹۴۰، به سازمان جاسوسی بریتانیا پیوست و در پوشش خبرنگار وارد خاک فرانسه شد و در شهر لیون، شبکه‌ای از افراد محلی مانند مغازه‌داران و کشیش‌ها ایجاد کرد. گشتاپو، پلیس مخفی نازی، او را با اسم رمز «زن لنگ» تعقیب می‌کرد اما هرگز نتوانست او را بباید. ویرجینیا هال سال ۱۹۴۲، با عبور از کوه‌های پیرنه به اسپانیا گریخت اما سال ۱۹۴۴ با پوشش زنی روستایی به فرانسه بازگشت و رهبری گروه‌های مقاومت را برعهده گرفت. عملیات‌های او در تضعیف ساختارهای نازی‌ها مؤثر بود.





بررسی تحولات اخیر در گفت و گو با نایب رئیس اسبق کمیسیون امنیت ملی مجلس

تهران توانست موازنه وحشت ایجاد کند



محمد فاطمی
هفت صبح

اگر چه جمهوری اسلامی ایران هیچگاه در صدد گسترش جنگ در منطقه نبوده و نیست، اما مقاومت در برابر تجاوز همزمان اسرائیل و آمریکا نشان از سطح قابل توجه بازدارندگی تهران دارد. در این مدت، پاسخ کشورمان متناسب با رفتاری بود که واکنشتن و تل آویو انجام دادند. با این وجود جنگی که به کشور تحمیل شده فصل تازه‌ای عبور می‌کند و به سرزمین‌های اشغالی برخورد می‌کند، نشان از توان و تکنولوژی بالای آن کشور دارد. این جنگ به گفت‌وگو با محمدجواد جمالی نوین‌دگانی‌نسنست‌امپ تا ارزیابی تحلیلگر ارشد مسائل را در این رابطه جویا شویم.

«در سایه تجاوز اسرائیل و آمریکا به ایران و در طول این ۱۲ روز جنگ، شاهد سطحی از بازدارندگی بودیم. اگر چه از نظر موازنه قوا و به لحاظ لجستیک، تجهیزات و جنگ‌افزارها نمی‌توان موازنه یکسانی را بین طرفین قائل بود اما به نظر می‌رسد که تهران توانست موازنه وحشت و موازنه تهدید را در قالب بازدارندگی محقق کند. از زبانی شما چیست؟ آیا ما توانستیم در این حوزها دستوردهایی داشته باشیم؟

بالاخره هر درگیری، هم دستور دارد و هم خسارتی به دنبال دارد و این طبیعی است. ضمناً کمتری کشوری در دنیا سراغ داریم که در یک روز همزمان، هم به اسرائیل موشک پرتاب کند و هم به سمت پایگاه‌های آمریکایی. یعنی ما تا به اکنون چنین نمونه‌ای را سراغ نداریم که یک کشور در برابر این دو (آمریکا و اسرائیل) که تجهیزات بسیار بالایی دارند در گیر شده باشد. لذا به نظر من در حوزه دستوردها ما یک‌سری دستوردهای نظامی داشتیم و یک‌سری دستوردهای سیاسی و اجتماعی و حتی دستوردهای دیپلماتیک هم داشتیم.

در حوزه نظامی نشان دادیم که ایران جزو ۴ یا ۵ کشوری است که از موشک‌هایی استفاده می‌کند که هم متنوع هستند و هم بردهای متعدد از چند صد کیلومتر تا چند

هزار کیلومتر دارند. ضمن آنکه این موشک‌ها، نقطه زن هستند که قدرت تخریبی بسیار بالایی دارند به گونه‌ای که زمان شلیک موشک از ایران، پایگاه فرانسوی‌ها در امارات، موشک‌های آمریکا در کشورهای عربی، پایگاه‌های ایالات متحده در عراق و کشورهایمانند اردن به دنبال رهگیری آن هستند و زمانی که موشک‌ها به سرزمین‌های اشغالی می‌رسند شاهد رهگیری‌های سامانه‌های پیکان ۱ و ۲، فلاخن و گنبد آهنین هستیم. پس زمانی که یک موشک از همه این سامانه‌ها عبور می‌کند و به سرزمین‌های اشغالی برخورد می‌کند، نشان از توان و تکنولوژی بالای آن کشور دارد. این جنگ

در بسیاری از کشورها زمانی که چنین تنش‌هایی به وجود می‌آید آمار جرایم بالایی‌رود اما در کشور این آمار کاهش پیدا کرد و همه مانند روزهای اول جنگ تحمیلی تقریباً پای کار آمدند و دست به دست هم دادند. دولت هم سعی کرد از تنش‌ها بکاهد و یک همدلی شکل بگیرد که در چند سال اخیر تقریباً بی‌سابقه بود و این نکته هم یک دستاورد بسیار خوب بود

یک تست بسیار خوب بود و نشان داد که ایران به یک قدرت و توان بالا در این رابطه رسیده و بدین وسیله توانست موازنه وحشت را ایجاد کند. البته ما ممکن است ضعف‌هایی در حوزه پدافند داشته باشیم که باید به دنبال برطرف کردن آنها باشیم. اگر این موضوع نیز حل شود بسیار مهم خواهد بود.

«در حوزه پدافند که اشاره کردید ما با بمب‌افکن بی-۲ و جنگنده اف-۳۵ مواجه بودیم که تقریباً برای هر توان پدافندی، حتی کشور‌های پیشرفته، رهگیری و انهدام آنها بسیار سخت و حتی غیرممکن است. به همین دلیل به نظر نمی‌رسد که بتوان خرده‌ای به توان پدافندی کشور گرفت؟ اتفاقاً برای اولین بار در این جنگ چند فروند جنگنده اف-

۳۵ منهدم شد که یکی دو مورد بود. یکی در شمال غرب و در تبریز و دیگری در بوشهر. از این جهت وقتی یک جنگنده اف-۳۵ را هدف قرار دادیم این یک دستاورد است. ضمناً ما شاهد موج حملات اف-۳۵، بمب‌افکن‌های آمریکایی و هرمس‌ها بودیم. البته نباید این نکته را هم نادیده بگیریم که ریزیرنده‌ها هم در داخل کشور اقدام به حمله کردند لذا مسئولین پدافند کشور قطعاً به این ضعف‌ها شراف دارند و به دنبال رفع آن خواهند بود.

«در حوزه دستوردهای دیپلماتیک چطور؟ در حوزه دیپلماتیک، به نظر من دکتر عراقچی یک تلاش شایسته‌روزی در راستای تبیین مواضع براساس حقوق بین‌الملل و منطق شفاف و به شکل مسلط را اجرا کرد طوری که طرف مقابل به جز زبان زور حرف دیگری برای گفتن در برابر جمهوری اسلامی ایران نداشت. از نظر دیپلماسی، حداقل توانستیم کشورهایی مانند عربستان را با خود همراه کنیم. حتی عمان برای اولین بار در یک موضوعی، آمریکا را محکوم کرد که بسیار مهم است. ضمناً پتانسیه شورای همکاری خلیج فارس هم وجود دارد. صحبت‌هایی که با نمایندگان روسیه و چین پیش از نشست شورای امنیت انجام شد و همچنین خود برگزاری نشست‌های شورای امنیت به اضافه حمایت پاکستان، عراق و الجزایر در این نشست‌ها هم مطرح است. قطعاً

روی این مواضع صحبت و کار بسیار زیادی انجام شده بود. ضمناً کنفرانس سازمان همکاری اسلامی در استانبول هم برگزار شد که ایران توانست قطعنامه بسیار خوبی از آن بگیرد. حتی کشوری مانند مصر نسبت به گذشته به شکل بهتر و فعال‌تری در حمایت از ایران اقدام کرد. لذا ما از نظر دیپلماسی یک کار کم‌نقصی را به اجرا گذاشتیم. تقریباً همه کشورهایی که می‌خواهند بدون غرض موضع‌گیری کنند، سخنان ایران را اصولی می‌دیدند. در این رابطه تبیین درستی صورت گرفته بود که ما در

حال مذاکره با آمریکا و آژانس بودیم که به ما تجاوز شد. به اضافه اینکه دستگاه دیپلماسی که بخشی از دولت است توانست همراهی و هماهنگی بسیار خوبی با سایر قوا داشته باشد که یک دستاورد ارزشمند است. یک دستاورد مهم دیگر بازسازی روابط مردم با دولت بود تا جایی که برخی افراد که در گذشته مواضع خیلی تندی داشتند به حمایت از دولت برآمدند و یک وفای بالا صورت گرفت تا جایی که اپوزیسیون خارج‌نشین در این مقطع کیش و مات شد. ضمن اینکه اگر چه دولت نوپا بود و

تجربه زیادی نداشت، توانست در هماهنگی با سایر قوا مدیریت خوبی را در بسیاری از حوزه‌ها به اجرا در آورد. هر چند دشمن در حوزه‌هایی مانند سوخت، انرژی، برق، درمان، بانک‌ها، امنیت، گمرکات، دارو و... هم تهدید می‌کرد و هم حمله می‌کرد اما دولت بسیار موفق بود. در بسیاری از کشورها زمانی که چنین تنش‌هایی به وجود می‌آید آمار جرایم بالا می‌رود اما در کشور ایران آمار کاهش پیدا کرد و همه مانند روزهای اول جنگ تحمیلی تقریباً پای کار آمدند و دست به دست هم دادند. دولت هم سعی کرد از تنش‌ها بکاهد و یک همدلی شکل بگیرد که در چند سال اخیر تقریباً بی‌سابقه بود و این نکته هم یک دستاورد بسیار خوب بود. ضمناً پتانسیه شورای همکاری خلیج فارس هم وجود دارد. صحبت‌هایی که با نمایندگان روسیه و چین پیش از نشست شورای امنیت انجام شد و همچنین خود برگزاری نشست‌های شورای امنیت به اضافه حمایت پاکستان، عراق و الجزایر در این نشست‌ها هم مطرح است. قطعاً

روی این مواضع صحبت و کار بسیار زیادی انجام شده بود. ضمناً کنفرانس سازمان همکاری اسلامی در استانبول هم برگزار شد که ایران توانست قطعنامه بسیار خوبی از آن بگیرد. حتی کشوری مانند مصر نسبت به گذشته به شکل بهتر و فعال‌تری در حمایت از ایران اقدام کرد. لذا ما از نظر دیپلماسی یک کار کم‌نقصی را به اجرا گذاشتیم. تقریباً همه کشورهایی که می‌خواهند بدون غرض موضع‌گیری کنند، سخنان ایران را اصولی می‌دیدند. در این رابطه تبیین درستی صورت گرفته بود که ما در حال مذاکره با آمریکا و آژانس بودیم که به ما تجاوز شد. به اضافه اینکه دستگاه دیپلماسی که بخشی از دولت است توانست همراهی و هماهنگی بسیار خوبی با سایر قوا داشته باشد که یک دستاورد ارزشمند است. یک دستاورد مهم دیگر بازسازی روابط مردم با دولت بود تا جایی که برخی افراد که در گذشته مواضع خیلی تندی داشتند به حمایت از دولت برآمدند و یک وفای بالا صورت گرفت تا جایی که اپوزیسیون خارج‌نشین در این مقطع کیش و مات شد. ضمن اینکه اگر چه دولت نوپا بود و تجربه زیادی نداشت، توانست در هماهنگی با سایر قوا مدیریت خوبی را در بسیاری از حوزه‌ها به اجرا در آورد. هر چند دشمن در حوزه‌هایی مانند سوخت، انرژی، برق، درمان، بانک‌ها، امنیت، گمرکات، دارو و... هم تهدید می‌کرد و هم حمله می‌کرد اما دولت بسیار موفق بود. در بسیاری از کشورها زمانی که چنین تنش‌هایی به وجود می‌آید آمار جرایم بالا می‌رود اما در کشور ایران آمار کاهش پیدا کرد و همه مانند روزهای اول جنگ تحمیلی تقریباً پای کار آمدند و دست به دست هم دادند. دولت هم سعی کرد از تنش‌ها بکاهد و یک همدلی شکل بگیرد که در چند سال اخیر تقریباً بی‌سابقه بود و این نکته هم یک دستاورد بسیار خوب بود.

ببینید اسرائیل اساساً با همه کشورهای دنیا فرق می‌کند و خودش هم می‌داند که یک کشور جعلی است و به همین دلیل می‌داند چند مولفه قدرت که برای هر کشور ضروری است را ندارد که یکی «جغرافیا» است و دیگری «جمعیت». در دل همین جمعیت اسرائیل، میلیون‌ها فلسطینی وجود دارند که هر لحظه به دنبال ضربه زدن به این رژیم هستند. اگر چه تصور بر این است



«با این تفاسیر باید توان بازدارندگی خود را تقویت کرد؟

بله همان گونه که خداوند در قرآن می‌فرماید: «واعدوا لهم ما استطعتم من قوه». یعنی هر آنچه از نیرو و توان دارید برای دشمنان آماده کنید. ضمناً دیدید که همه جریان‌های سیاسی اعم از اصلاح‌طلب و اصولگرا که زیر چتر ایران جمع شده بودند از ایران حمایت کردند و واقعاً دیدند که کشور مظلوم واقع شده است. واقعاً ایران در حال مذاکره بود و قرار بود دور ششم مذاکرات با آمریکایی‌ها در مسقط برگزار شود که اسرائیل و آمریکا به ما حمله کردند. الان تقریباً هیچ‌کسی در داخل کشور نیست که بخواهد بگوید که تقصیر ایران بود. پس کسی از این منظر نمی‌تواند نقدی به ما داشته باشد اما مطمئن باشید اگر آنها احساس ضعفی در ما بینند، دوباره به ما حمله می‌کنند. جمله کلیدی را هم عرض کنم که مشکل آمریکا با کشوری مانند چین در خصوص تایوان یا مسائل اقتصادی و تجاری است یا مشکل آمریکا با روسیه به جنگ اوکراین و موضوع قدرت باز می‌گردد اما مشکل آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی ایران، مشکل ماهیتی است و این موضوع حل نخواهد شد. آنها ماهیت جمهوری اسلامی ایران را قبول ندارند و این کشورها به دنبال

تجزیه ایران، عربستان، ترکیه، سوریه، عراق و تمام کشورهای اسلامی هستند مانند همان پروژه‌ای که برای امپراتوری عثمانی شکل گرفت. مجموعه به نظر من اسرائیل قابل اعتماد نیست، همان گونه که ترامپ قابل اعتماد نبوده و نیست.



آینه مطبوعات

آتش‌بس شکننده در خاورمیانه و تردید در ناتو

دیپلماسی پریهاهوی ترامپ؛ از «تروت سوشال» تا لاهه

در روزهای اخیر، تحولات مهمی در خاورمیانه رخ داده است. اعلام آتش‌بس شکننده میان ایران و اسرائیل توسط دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در تاریخ دوم تیر، توجه جهانی را به خود جلب کرد. همزمان، حضور ترامپ در اجلاس ناتو در لاهه هلند فرصتی برای نمایش رویکرد سیاست خارجی او فراهم آورد. مطالب زیر از منابع معتبر غربی و منطقه‌ای گردآوری شده است.

سفر ترامپ به ناتو: حضوری جنجالی برانگیز زمینه‌ها و اهداف

دونالد ترامپ در اجلاس ناتو در لاهه، که با حضور رهبران ۳۱ کشور عضو برگزار شد، تلاش کرد خود را به عنوان میانجی صلح معرفی کند. این اجلاس، که در روزهای سوم و چهارم تیر برگزار شد، تحت تأثیر آتش‌بس ایران و اسرائیل قرار داشت. با این حال، اظهارات مهم ترامپ درباره ماده پنج پیمان ناتو (دفاع جمعی) که گفت «معهد من به تعریف

و تمجید شما بستگی دارد»، نگرانی‌هایی را میان متحدان ایجاد کرد. این ابهام همراه با عدم تمایل او به افزایش کمک‌های نظامی به اوکراین و تماس‌های مکررش با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، فضای اجلاس را متشنج کرد.

واکنش متحدان و تمرکز بر خاورمیانه

رهبران اروپایی، از جمله کی‌یر استارمر، نخست‌وزیر بریتانیا، امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه و فریدریش مرز، صدراعظم آلمان، به لزوم دیپلماسی در خاورمیانه تأکید کردند. استارمر خواستار تداوم آتش‌بس شد و اظهار داشت: «هر چه زودتر به این آتش‌بس پایبند بنمایم، بهتر است.» مارک روتنه، دبیر کل ناتو، ضمن قدردانی از نقش ترامپ در آتش‌بس، نگرانی‌هایی درباره تعهد آمریکا به ناتو مطرح کرد. همچنین اظهارات تند و گاه غیرمعتارف ترامپ درباره نقض آتش‌بس توسط ایران و اسرائیل کانون

توجهات بود. او پیش از سفر به لاهه، با لحنی تند هر دو طرف را سرزنش کرد، اما بعداً تأیید کرد که آتش‌بس برقرار مانده است.

آتش‌بس ایران و اسرائیل

ترامپ در تاریخ دوم تیر از طریق شبکه اجتماعی خود، «تروت سوشال»، از برقراری «آتش‌بس کامل و جامع» میان ایران و اسرائیل خبر داد. این توافق پس از ۱۲ روز درگیری شدید، شامل حملات هوایی آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران و حملات موشکی ایران به پایگاه‌های آمریکا در قطر، به دست آمد. آتش‌بس با میانجی‌گری قطر و گفت‌وگوهای مستقیم ترامپ با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل و مذاکرات غیرمستقیم مقامات آمریکایی (از جمله جی‌دی ونس، معاون

رئیس‌جمهور، و مارکو روبیو، وزیر امور خارجه) با ایران شکل گرفت. طبق توافق، ایران از نیمه‌شب سوم تیر (به وقت آمریکا) و اسرائیل دوازده ساعت بعد، در ظهر همان روز، حملات خود را متوقف کردند.

چالش‌ها و نقض‌ها

آتش‌بس بلافاصله با چالش‌هایی مواجه شد. اسرائیل مدعی شد ایران پس از آغاز آتش‌بس موشک‌هایی شلیک کرده، در حالی که عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، هرگونه توافق رسمی را رد اما تأیید کرد که ایران از ساعت چهار صبح سوم تیر (به وقت تهران) مشروط به توقف حملات اسرائیل عملیات نظامی را متوقف کرده است. ترامپ با لحنی تند هر دو طرف را به «بی‌برنامگی» متهم کرد، اما

پس از گفت‌وگو با نتانیاهو اعلام کرد آتش‌بس پایرجاست، او در پستی اظهار داشت که هواپیماهای اسرائیلی «باز می‌گردند و در راه با حرکت دوستانه بال‌هایشان به ایران ادای احترام می‌کنند». عبارتی که در رسانه‌های ایرانی به‌عنوان نشانه‌ای از سبک غیرمعتارف او تفسیر شد. رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، از این آتش‌بس استقبال کرد و خواستار صلح پایدار شد.

اخبار ایران در رسانه‌های جهان

پیش از آتش‌بس، حملات هوایی آمریکا و اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران انجام شد. ارزیابی اطلاعاتی آمریکا کثبان داد که این حملات، از جمله استفاده از بمب‌های سنگر شکن، تنها برنامه هسته‌ای ایران را چند ماه به تأخیر انداخته و بر خلاف

اگر چه جمهوری اسلامی ایران هیچگاه در صدد گسترش جنگ در منطقه نبوده و نیست، اما مقاومت در برابر تجاوز همزمان اسرائیل و آمریکا نشان از سطح قابل توجه بازدارندگی تهران دارد. در این مدت، پاسخ کشورمان متناسب با رفتاری بود که واکنشتن و تل آویو انجام دادند. با این وجود جنگی که به کشور تحمیل شده فصل تازه‌ای عبور می‌کند و به سرزمین‌های اشغالی برخورد می‌کند، نشان از توان و تکنولوژی بالای آن کشور دارد. این جنگ به گفت‌وگو با محمدجواد جمالی نوین‌دگانی‌نسنست‌امپ تا ارزیابی تحلیلگر ارشد مسائل را در این رابطه جویا شویم.

در حوزه دیپلماتیک، به نظر من دکتر عراقچی یک تلاش شایسته‌روزی در راستای تبیین مواضع براساس حقوق بین‌الملل و منطق شفاف و به شکل مسلط را اجرا کرد طوری که طرف مقابل به جز زبان زور حرف دیگری برای گفتن در برابر جمهوری اسلامی ایران نداشت. از نظر دیپلماسی، حداقل توانستیم کشورهایی مانند عربستان را با خود همراه کنیم. حتی عمان برای اولین بار در یک موضوعی، آمریکا را محکوم کرد که بسیار مهم است. ضمناً پتانسیه شورای همکاری خلیج فارس هم وجود دارد. صحبت‌هایی که با نمایندگان روسیه و چین پیش از نشست شورای امنیت انجام شد و همچنین خود برگزاری نشست‌های شورای امنیت به اضافه حمایت پاکستان، عراق و الجزایر در این نشست‌ها هم مطرح است. قطعاً

روی این مواضع صحبت و کار بسیار زیادی انجام شده بود. ضمناً کنفرانس سازمان همکاری اسلامی در استانبول هم برگزار شد که ایران توانست قطعنامه بسیار خوبی از آن بگیرد. حتی کشوری مانند مصر نسبت به گذشته به شکل بهتر و فعال‌تری در حمایت از ایران اقدام کرد. لذا ما از نظر دیپلماسی یک کار کم‌نقصی را به اجرا گذاشتیم. تقریباً همه کشورهایی که می‌خواهند بدون غرض موضع‌گیری کنند، سخنان ایران را اصولی می‌دیدند. در این رابطه تبیین درستی صورت گرفته بود که ما در حال مذاکره با آمریکا و آژانس بودیم که به ما تجاوز شد. به اضافه اینکه دستگاه دیپلماسی که بخشی از دولت است توانست همراهی و هماهنگی بسیار خوبی با سایر قوا داشته باشد که یک دستاورد ارزشمند است. یک دستاورد مهم دیگر بازسازی روابط مردم با دولت بود تا جایی که برخی افراد که در گذشته مواضع خیلی تندی داشتند به حمایت از دولت برآمدند و یک وفای بالا صورت گرفت تا جایی که اپوزیسیون خارج‌نشین در این مقطع کیش و مات شد. ضمن اینکه اگر چه دولت نوپا بود و تجربه زیادی نداشت، توانست در هماهنگی با سایر قوا مدیریت خوبی را در بسیاری از حوزه‌ها به اجرا در آورد. هر چند دشمن در حوزه‌هایی مانند سوخت، انرژی، برق، درمان، بانک‌ها، امنیت، گمرکات، دارو و... هم تهدید می‌کرد و هم حمله می‌کرد اما دولت بسیار موفق بود. در بسیاری از کشورها زمانی که چنین تنش‌هایی به وجود می‌آید آمار جرایم بالا می‌رود اما در کشور ایران آمار کاهش پیدا کرد و همه مانند روزهای اول جنگ تحمیلی تقریباً پای کار آمدند و دست به دست هم دادند. دولت هم سعی کرد از تنش‌ها بکاهد و یک همدلی شکل بگیرد که در چند سال اخیر تقریباً بی‌سابقه بود و این نکته هم یک دستاورد بسیار خوب بود.

ببینید اسرائیل اساساً با همه کشورهای دنیا فرق می‌کند و خودش هم می‌داند که یک کشور جعلی است و به همین دلیل می‌داند چند مولفه قدرت که برای هر کشور ضروری است را ندارد که یکی «جغرافیا» است و دیگری «جمعیت». در دل همین جمعیت اسرائیل، میلیون‌ها فلسطینی وجود دارند که هر لحظه به دنبال ضربه زدن به این رژیم هستند. اگر چه تصور بر این است

«با این تفاسیر باید توان بازدارندگی خود را تقویت کرد؟

بله همان گونه که خداوند در قرآن می‌فرماید: «واعدوا لهم ما استطعتم من قوه». یعنی هر آنچه از نیرو و توان دارید برای دشمنان آماده کنید. ضمناً دیدید که همه جریان‌های سیاسی اعم از اصلاح‌طلب و اصولگرا که زیر چتر ایران جمع شده بودند از ایران حمایت کردند و واقعاً دیدند که کشور مظلوم واقع شده است. واقعاً ایران در حال مذاکره بود و قرار بود دور ششم مذاکرات با آمریکایی‌ها در مسقط برگزار شود که اسرائیل و آمریکا به ما حمله کردند. الان تقریباً هیچ‌کسی در داخل کشور نیست که بخواهد بگوید که تقصیر ایران بود. پس کسی از این منظر نمی‌تواند نقدی به ما داشته باشد اما مطمئن باشید اگر آنها احساس ضعفی در ما بینند، دوباره به ما حمله می‌کنند. جمله کلیدی را هم عرض کنم که مشکل آمریکا با کشوری مانند چین در خصوص تایوان یا مسائل اقتصادی و تجاری است یا مشکل آمریکا با روسیه به جنگ اوکراین و موضوع قدرت باز می‌گردد اما مشکل آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی ایران، مشکل ماهیتی است و این موضوع حل نخواهد شد. آنها ماهیت جمهوری اسلامی ایران را قبول ندارند و این کشورها به دنبال

تجزیه ایران، عربستان، ترکیه، سوریه، عراق و تمام کشورهای اسلامی هستند مانند همان پروژه‌ای که برای امپراتوری عثمانی شکل گرفت. مجموعه به نظر من اسرائیل قابل اعتماد نیست، همان گونه که ترامپ قابل اعتماد نبوده و نیست.

ببینید اسرائیل اساساً با همه کشورهای دنیا فرق می‌کند و خودش هم می‌داند که یک کشور جعلی است و به همین دلیل می‌داند چند مولفه قدرت که برای هر کشور ضروری است را ندارد که یکی «جغرافیا» است و دیگری «جمعیت». در دل همین جمعیت اسرائیل، میلیون‌ها فلسطینی وجود دارند که هر لحظه به دنبال ضربه زدن به این رژیم هستند. اگر چه تصور بر این است

«با این تفاسیر باید توان بازدارندگی خود را تقویت کرد؟

بله همان گونه که خداوند در قرآن می‌فرماید: «واعدوا لهم ما استطعتم من قوه». یعنی هر آنچه از نیرو و توان دارید برای دشمنان آماده کنید. ضمناً دیدید که همه جریان‌های سیاسی اعم از اصلاح‌طلب و اصولگرا که زیر چتر ایران جمع شده بودند از ایران حمایت کردند و واقعاً دیدند که کشور مظلوم واقع شده است. واقعاً ایران در حال مذاکره بود و قرار بود دور ششم مذاکرات با آمریکایی‌ها در مسقط برگزار شود که اسرائیل و آمریکا به ما حمله کردند. الان تقریباً هیچ‌کسی در داخل کشور نیست که بخواهد بگوید که تقصیر ایران بود. پس کسی از این منظر نمی‌تواند نقدی به ما داشته باشد اما مطمئن باشید اگر آنها احساس ضعفی در ما بینند، دوباره به ما حمله می‌کنند. جمله کلیدی را هم عرض کنم که مشکل آمریکا با کشوری مانند چین در خصوص تایوان یا مسائل اقتصادی و تجاری است یا مشکل آمریکا با روسیه به جنگ اوکراین و موضوع قدرت باز می‌گردد اما مشکل آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی ایران، مشکل ماهیتی است و این موضوع حل نخواهد شد. آنها ماهیت جمهوری اسلامی ایران را قبول ندارند و این کشورها به دنبال

تجزیه ایران، عربستان، ترکیه، سوریه، عراق و تمام کشورهای اسلامی هستند مانند همان پروژه‌ای که برای امپراتوری عثمانی شکل گرفت. مجموعه به نظر من اسرائیل قابل اعتماد نیست، همان گونه که ترامپ قابل اعتماد نبوده و نیست.

ببینید اسرائیل اساساً با همه کشورهای دنیا فرق می‌کند و خودش هم می‌داند که یک کشور جعلی است و به همین دلیل می‌داند چند مولفه قدرت که برای هر کشور ضروری است را ندارد که یکی «جغرافیا» است و دیگری «جمعیت». در دل همین جمعیت اسرائیل، میلیون‌ها فلسطینی وجود دارند که هر لحظه به دنبال ضربه زدن به این رژیم هستند. اگر چه تصور بر این است

«با این تفاسیر باید توان بازدارندگی خود را تقویت کرد؟

بله همان گونه که خداوند در قرآن می‌فرماید: «واعدوا لهم ما استطعتم من قوه». یعنی هر آنچه از نیرو و توان دارید برای دشمنان آماده کنید. ضمناً دیدید که همه جریان‌های سیاسی اعم از اصلاح‌طلب و اصولگرا که زیر چتر ایران جمع شده بودند از ایران حمایت کردند و واقعاً دیدند که کشور مظلوم واقع شده است. واقعاً ایران در حال مذاکره بود و قرار بود دور ششم مذاکرات با آمریکایی‌ها در مسقط برگزار شود که اسرائیل و آمریکا به ما حمله کردند. الان تقریباً هیچ‌کسی در داخل کشور نیست که بخواهد بگوید که تقصیر ایران بود. پس کسی از این منظر نمی‌تواند نقدی به ما داشته باشد اما مطمئن باشید اگر آنها احساس ضعفی در ما بینند، دوباره به ما حمله می‌کنند. جمله کلیدی را هم عرض کنم که مشکل آمریکا با کشوری مانند چین در خصوص تایوان یا مسائل اقتصادی و تجاری است یا مشکل آمریکا با روسیه به جنگ اوکراین و موضوع قدرت باز می‌گردد اما مشکل آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی ایران، مشکل ماهیتی است و این موضوع حل نخواهد شد. آنها ماهیت جمهوری اسلامی ایران را قبول ندارند و این کشورها به دنبال

تجزیه ایران، عربستان، ترکیه، سوریه، عراق و تمام کشورهای اسلامی هستند مانند همان پروژه‌ای که برای امپراتوری عثمانی شکل گرفت. مجموعه به نظر من اسرائیل قابل اعتماد نیست، همان گونه که ترامپ قابل اعتماد نبوده و نیست.

ببینید اسرائیل اساساً با همه کشورهای دنیا فرق می‌کند و خودش هم می‌داند که یک کشور جعلی است و به همین دلیل می‌داند چند مولفه قدرت که برای هر کشور ضروری است را ندارد که یکی «جغرافیا» است و دیگری «جمعیت». در دل همین جمعیت اسرائیل، میلیون‌ها فلسطینی وجود دارند که هر لحظه به دنبال ضربه زدن به این رژیم هستند. اگر چه تصور بر این است

«با این تفاسیر باید توان بازدارندگی خود را تقویت کرد؟

بله همان گونه که خداوند در قرآن می‌فرماید: «واعدوا لهم ما استطعتم من قوه». یعنی هر آنچه از نیرو و توان دارید برای دشمنان آماده کنید. ضمناً دیدید که همه جریان‌های سیاسی اعم از اصلاح‌طلب و اصولگرا که زیر چتر ایران جمع شده بودند از ایران حمایت کردند و واقعاً دیدند که کشور مظلوم واقع شده است. واقعاً ایران در حال مذاکره بود و قرار بود دور ششم مذاکرات با آمریکایی‌ها در مسقط برگزار شود که اسرائیل و آمریکا به ما حمله کردند. الان تقریباً هیچ‌کسی در داخل کشور نیست که بخواهد بگوید که تقصیر ایران بود. پس کسی از این منظر نمی‌تواند نقدی به ما داشته باشد اما مطمئن باشید اگر آنها احساس ضعفی در ما بینند، دوباره به ما حمله می‌کنند. جمله کلیدی را هم عرض کنم که مشکل آمریکا با کشوری مانند چین در خصوص تایوان یا مسائل اقتصادی و تجاری است یا مشکل آمریکا با روسیه به جنگ اوکراین و موضوع قدرت باز می‌گردد اما مشکل آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی ایران، مشکل ماهیتی است و این موضوع حل نخواهد شد. آنها ماهیت جمهوری اسلامی ایران را قبول ندارند و این کشورها به دنبال

تجزیه ایران، عربستان، ترکیه، سوریه، عراق و تمام کشورهای اسلامی هستند مانند همان پروژه‌ای که برای امپراتوری عثمانی شکل گرفت. مجموعه به نظر من اسرائیل قابل اعتماد نیست، همان گونه که ترامپ قابل اعتماد نبوده و نیست.

ببینید اسرائیل اساساً با همه کشورهای دنیا فرق می‌کند و خودش هم می‌داند که یک کشور جعلی است و به همین دلیل می‌داند چند مولفه قدرت که برای هر کشور ضروری است را ندارد که یکی «جغرافیا» است و دیگری «جمعیت». در دل همین جمعیت اسرائیل، میلیون‌ها فلسطینی وجود دارند که هر لحظه به دنبال ضربه زدن به این رژیم هستند. اگر چه تصور بر این است

«با این تفاسیر باید توان بازدارندگی خود را تقویت کرد؟

بله همان گونه که خداوند در قرآن می‌فرماید: «واعدوا لهم ما استطعتم من قوه». یعنی هر آنچه از نیرو و توان دارید برای دشمنان آماده کنید. ضمناً دیدید که همه جریان‌های سیاسی اعم از اصلاح‌طلب و اصولگرا که زیر چتر ایران جمع شده بودند از ایران حمایت کردند و واقعاً دیدند که کشور مظلوم واقع شده است. واقعاً ایران در حال مذاکره بود و قرار بود دور ششم مذاکرات با آمریکایی‌ها در مسقط برگزار شود که اسرائیل و آمریکا به ما حمله کردند. الان تقریباً هیچ‌کسی در داخل کشور نیست که بخواهد بگوید که تقصیر ایران بود. پس کسی از این منظر نمی‌تواند نقدی به ما داشته باشد اما مطمئن باشید اگر آنها احساس ضعفی در ما بینند، دوباره به ما حمله می‌کنند. جمله کلیدی را هم عرض کنم که مشکل آمریکا با کشوری مانند چین در خصوص تایوان یا مسائل اقتصادی و تجاری است یا مشکل آمریکا با روسیه به جنگ اوکراین و موضوع قدرت باز می‌گردد اما مشکل آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی ایران، مشکل ماهیتی است و این موضوع حل نخواهد شد. آنها ماهیت جمهوری اسلامی ایران را قبول ندارند و این کشورها به دنبال

تجزیه ایران، عربستان، ترکیه، سوریه، عراق و تمام کشورهای اسلامی هستند مانند همان پروژه‌ای که برای امپراتوری عثمانی شکل گرفت. مجموعه به نظر من اسرائیل قابل اعتماد نیست، همان گونه که ترامپ قابل اعتماد نبوده و نیست.

ببینید اسرائیل اساساً با همه کشورهای دنیا فرق می‌کند و خودش هم می‌داند که یک کشور جعلی است و به همین دلیل می‌داند چند مولفه قدرت که برای هر کشور ضروری است را ندارد که یکی «جغرافیا» است و دیگری «جمعیت». در دل همین جمعیت اسرائیل، میلیون‌ها فلسطینی وجود دارند که هر لحظه به دنبال ضربه زدن به این رژیم هستند. اگر چه تصور بر این است

«با این تفاسیر باید توان بازدارندگی خود را تقویت کرد؟

بله همان گونه که خداوند در قرآن می‌فرماید: «واعدوا لهم ما استطعتم من قوه». یعنی هر آنچه از نیرو و توان دارید برای دشمنان آماده کنید. ضمناً دیدید که همه جریان‌های سیاسی اعم از اصلاح‌طلب و اصولگرا که زیر چتر ایران جمع شده بودند از ایران حمایت کردند و واقعاً دیدند که کشور مظلوم واقع شده است. واقعاً ایران در حال مذاکره بود و قرار بود دور ششم مذاکرات با آمریکایی‌ها در مسقط برگزار شود که اسرائیل و آمریکا به ما حمله کردند. الان تقریباً هیچ‌کسی در داخل کشور نیست که بخواهد بگوید که تقصیر ایران بود. پس کسی از این منظر نمی‌تواند نقدی به ما داشته باشد اما مطمئن باشید اگر آنها احساس ضعفی در ما بینند، دوباره به ما حمله می‌کنند. جمله کلیدی را هم عرض کنم که مشکل آمریکا با کشوری مانند چین در خصوص تایوان یا مسائل اقتصادی و تجاری است یا مشکل آمریکا با روسیه به جنگ اوکراین و موضوع قدرت باز می‌گردد اما مشکل آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی ایران، مشکل ماهیتی است و این موضوع حل نخواهد شد. آنها ماهیت جمهوری اسلامی ایران را قبول ندارند و این کشورها به دنبال

تجزیه ایران، عربستان، ترکیه، سوریه، عراق و تمام کشورهای اسلامی هستند مانند همان پروژه‌ای که برای امپراتوری عثمانی شکل گرفت. مجموعه به نظر من اسرائیل قابل اعتماد نیست، همان گونه که ترامپ قابل اعتماد نبوده و نیست.

ببینید اسرائیل اساساً با همه کشورهای دنیا فرق می‌کند و خودش هم می‌داند که یک کشور جعلی است و به همین دلیل می‌داند چند مولفه قدرت که برای هر کشور ضروری است را ندارد که یکی «جغرافیا» است و دیگری «جمعیت». در دل همین جمعیت اسرائیل، میلیون‌ها فلسطینی وجود دارند که هر لحظه به دنبال ضربه زدن به این رژیم هستند. اگر چه تصور بر این است

«با این تفاسیر باید توان بازدارندگی خود را تقویت کرد؟

بله همان گونه که خداوند در قرآن می‌فرماید: «واعدوا لهم ما استطعتم من قوه». یعنی هر آنچه از نیرو و توان دارید برای دشمنان آماده کنید. ضمناً دیدید که همه جریان‌های سیاسی اعم از اصلاح‌طلب و اصولگرا که زیر چتر ایران جمع شده بودند از ایران حمایت کردند و واقعاً دیدند که کشور مظلوم واقع شده است. واقعاً ایران در حال مذاکره بود و قرار بود دور ششم مذاکرات با آمریکایی‌ها در مسقط برگزار شود که اسرائیل و آمریکا به ما حمله کردند. الان تقریباً هیچ‌کسی در داخل کشور نیست که بخواهد بگوید که تقصیر ایران بود. پس کسی از این منظر نمی‌تواند نقدی به ما داشته باشد اما مطمئن باشید اگر آنها احساس ضعفی در ما بینند، دوباره به ما حمله می‌کنند. جمله کلیدی را هم عرض کنم که مشکل آمریکا با کشوری مانند چین در خصوص تایوان یا مسائل اقتصادی و تجاری است یا مشکل آمریکا با روسیه به جنگ اوکراین و موضوع قدرت باز می‌گردد اما مشکل آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی ایران، مشکل ماهیتی است و این موضوع حل نخواهد شد. آنها ماهیت جمهوری اسلامی ایران را قبول ندارند و این کشورها به دنبال

تجزیه ایران، عربستان، ترکیه، سوریه، عراق و تمام کشورهای اسلامی هستند مانند همان پروژه‌ای که برای امپراتوری عثمانی شکل گرفت. مجموعه به نظر من اسرائیل قابل اعتماد نیست، همان گونه که ترامپ قابل اعتماد نبوده و نیست.

ببینید اسرائیل اساساً با همه کشورهای دنیا فرق می‌کند و خودش هم می‌داند که یک کشور جعلی است و به همین دلیل می‌داند چند مولفه قدرت که برای هر کشور ضروری است را ندارد که یکی «جغرافیا» است و دیگری «جمعیت». در دل همین جمعیت اسرائیل، میلیون‌ها فلسطینی وجود دارند که هر لحظه به دنبال ضربه زدن به این رژیم هستند. اگر چه تصور بر این است

«با این تفاسیر باید توان بازدارندگی خود را تقویت کرد؟

بله همان گونه که خداوند در قرآن می‌فرماید: «واعدوا لهم ما استطعتم من قوه». یعنی هر آنچه از نیرو و توان دارید برای دشمنان آماده کنید. ضمناً دیدید که همه جریان‌های سیاسی اعم از اصلاح‌طلب و اصولگرا که زیر چتر ایران جمع شده بودند از ایران حمایت کردند و واقعاً دیدند که کشور مظلوم واقع شده است. واقعاً ایران در حال مذاکره بود و قرار بود دور ششم مذاکرات با آمریکایی‌ها در مسقط برگزار شود که اسرائیل و آمریکا به ما حمله کردند. الان تقریباً هیچ‌کسی در داخل کشور نیست که بخواهد بگوید که تقصیر ایران بود. پس کسی از این منظر نمی‌تواند نقدی به ما داشته باشد اما مطمئن باشید اگر آنها احساس ضعفی در ما بینند، دوباره به ما حمله می‌کنند. جمله کلیدی را هم عرض کنم که مشکل آمریکا با کشوری مانند چین در خصوص تایوان یا مسائل اقتصادی و تجاری است یا مشکل آمریکا با روسیه به جنگ اوکراین و موضوع قدرت باز می‌گردد اما مشکل آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی ایران، مشکل ماهیتی است و این موضوع حل نخواهد شد. آنها ماهیت جمهوری اسلامی ایران را قبول ندارند و این کشورها به دنبال

تجزیه ایران، عربستان، ترکیه، سوریه، عراق و تمام کشورهای اسلامی هستند مانند همان پروژه‌ای که برای امپراتوری عثمانی شکل گرفت. مجموعه به نظر من اسرائیل قابل اعتماد نیست، همان گونه که ترامپ قابل اعتماد نبوده و نیست.

ببینید اسرائیل اساساً با همه کشورهای دنیا فرق می‌کند و خودش هم می‌داند که یک کشور جعلی است و به همین دلیل می‌داند چند مولفه قدرت که برای هر کشور ضروری است را ندارد که یکی «جغرافیا» است و دیگری «جمعیت». در دل همین جمعیت اسرائیل، میلیون‌ها فلسطینی وجود دارند که هر لحظه به دنبال ضربه زدن به این رژیم هستند. اگر چه تصور بر این است

«با این تفاسیر باید توان بازدارندگی خود را تقویت کرد؟

بله همان گونه که خداوند در قرآن می‌فرماید: «واعدوا لهم ما استطعتم من قوه». یعنی هر آنچه از نیرو و توان دارید برای دشمنان آماده کنید. ضمناً دیدید که همه جریان‌های سیاسی اعم از اصلاح‌طلب و اصولگرا که زیر چتر ایران جمع شده بودند از ایران حمایت کردند و واقعاً دیدند که کشور مظلوم واقع شده است. واقعاً ایران در حال مذاکره بود و قرار بود دور ششم مذاکرات با آمریکایی‌ها در مسقط برگزار شود که اسرائیل و آمریکا به ما حمله کردند. الان تقریباً هیچ‌کسی در داخل کشور نیست که بخواهد بگوید که تقصیر ایران بود. پس کسی از این منظر نمی‌تواند نقدی به ما داشته باشد اما مطمئن باشید اگر آنها احساس ضعفی در ما بینند، دوباره به ما حمله می‌کنند. جمله کلیدی را هم عرض کنم که مشکل آمریکا با کشوری مانند چین در خصوص تایوان یا مسائل اقتصادی و تجاری است یا مشکل آمریکا با روسیه به جنگ اوکراین و موضوع قدرت باز می‌گردد اما مشکل آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی ایران، مشکل ماهیتی است و این موضوع حل نخواهد شد. آنها ماهیت جمهوری اسلامی ایران را قبول ندارند و این کشورها به دنبال

تجزیه ایران، عربستان، ترکیه، سوریه، عراق و تمام کشورهای اسلامی هستند مانند همان پروژه‌ای که برای امپراتوری عثمانی شکل گرفت. مجموعه به نظر من اسرائیل قابل اعتماد نیست، همان گونه که ترامپ قابل اعتماد نبوده و نیست.

ببینید اسرائیل اساساً با همه کشورهای دنیا فرق می‌کند و خودش هم می‌داند که یک کشور جعلی است و به همین دلیل می‌داند چند مولفه قدرت که برای هر کشور ضروری است را ندارد که یکی «جغرافیا» است و دیگری «جمعیت». در دل همین جمعیت اسرائیل،

وقتی خط مقدم دیگر در دست جنگنده‌ها نیست

هنر زودتر از آتش بس دست به کار شد

سازمان سینمایی، پیش‌رو در ایام جنگ، حافظ فضای هنری بود

تنها چند ساعت بعد از اعلام آتش بس مردم به سالن‌های سینما رفتند و فیلم دیدند



گروه فرهنگ و هنر | جنگ تنها یک جمله است. یک جمله خبری. تاریخ آغاز دارد، تاریخ پایان دارد، برنده دارد و بازنده. گاهی حتی پیروز و شکست‌خورده‌اش هم در روایت‌ها تغییر می‌کنند. همه این یک خط که روایت یک برهه تاریخی را بیان می‌کند اما همه واقعیتی نیست که وجود داشته. «جنگ» ۱۲ روزه میان ایران و اسرائیل در گرفت که در نهایت با پذیرش آتش‌بس از سوی دو طرف، به پایان رسید. تمام آنچه در آینده میان اوراق تاریخی خوانده و شنیده می‌شود همین است، نه همه آنی که اتفاق افتاده، نه همه آن چیزی که مسرد از جنگ حس کردند، زندگی کردند و به حافظه‌شان سپردند. ورای تاریخ، اما جنگ در قالب دیگری ثبت می‌شود که چهره‌های دقیق‌تر، واقعی‌تر و عینی‌تر از حقیقتی که در یک خط خبری وجود نداشته نشان می‌دهد. هنر میان و بعد از جنگ، وظیفه بزرگی برعهده دارد، وظیفه‌ای که کم از سربازان و دولت‌ها نیست. آن مردانی که در میدان جنگ، چه میدان با تعریف قدیمی‌اش، خاکریز و خط مقدم، چه میدان با تعریف نوین‌اش، حملات موشکی و سایبری، دفاع می‌کنند روزی با آتش‌بس یا پایان به خانه‌هایشان بازمی‌گردند. همان روز است که مردان میدان هنر وارد میدان می‌شوند. مردانی که حالا باید شرایط جنگ را که سایه بزرگ و سیاهی بر سر مردم شهرهای جنگ‌زده انداخته است محو کنند. آثانی که از قهرمانان می‌گویند، از ذات ویران‌گر جنگ می‌گویند، یا حتی آثانی که روایت‌هایی از عشق و زندگی معمولی در دل جنگ تعریف می‌کنند.

هنر زودتر از اعلام آتش‌بس | ۲۷ سال پس از تجربه یک جنگ کلاسیک، دوباره ایران درگیر جنگ مدرن شد. جنگی که دیگر خاکریز و خط مقدم نداشت. خط مقدم تمام شهرهای ایران بود، نقطه نقطه ایران. هنرمندان نیز دیگر میان مردان جنگ در جبهه‌ها نرفتند، آنان جبهه‌هایشان را در خانه‌ها، دفتر کار و استودیوهایشان برپا کردند. متولیان فرهنگ و هنر هم شبیه همان بیش از سه دهه پیش هنر را تعطیل نکردند. آنان در میانه جنگ مدرن، هنر را به روال معمولی نگاه داشتند. سینماها باز ماندند. دو هفته از آغاز جنگ نگذشته بود و کسی از توافق برای آتش‌بس خبر نداشت، فعالیت‌های هنری کار خود را آغاز کردند. در تمام ۱۲ روزی که جنگ جاری بود، هنر هم جاری بود. حالا اما با پایان جنگی که به آتش‌بس رسید و در تاریخ ثبت شد، هنرمندان پر قدرت دست به کار شدند. آنان حالا به میان جامعه‌ای بازگشتند که جنگ را چنان نزدیک تجربه کردند که هنوز حس اضطراب را احساس می‌کنند و نسبت به آتش‌بس بهانه‌پایاش اطمینان ندارند.

سازمان سینمایی پیش‌رو در جنگ

سازمان سینمایی پیش‌رو در حفظ فضای هنری در ایام جنگ بود. در روزهای نخست تنها با حذف فیلم‌های کم‌دی، چراغ سینما را روشن نگاه داشت تا تغییر شرایط و تعطیلی کامل، بار دیگر به میدان آمد و سینماداران را فراخواند تا پرده نقره‌ای را به تصویر آغشته کنند. گرچه همه نه، اما برخی به این سیاست سازمان سینمایی بله گفتند. در سینماها باز و چراغشان روشن شد. همین بود که سازمان سینمایی بعد از اعلام آتش‌بس، پیاپی برای قدردانی برای هنرمندانی که کنار مردان جنگ ایستادند،



به مردم اندیشیدند و تلاش کردند تا شرایط را در کنترل حالت عادی نگاه دارند. «با عنایت به شرایط حساس ۱۲ روز اخیر و مسئولیت حراست از ایران عزیز، که بیش از هر زمان دیگری بر دوش تک تک ما نهاده شده است، سازمان سینمایی کشور بر خود لازم می‌داند از همراهی مسئولانه و دغدغه‌مند سینماگران و صاحبان آثار صمیمانه قدردانی کند. همچنین از واکنش‌های به موقع خانه سینما، سینماداران و صاحبان فیلم‌های در حال اکران که در همراهی با فضای عمومی جامعه، با نیه‌م‌ها شدن بلیت سینماها طی روزهای اخیر موافقت کردند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنیم. این اقدام نشان‌دهنده درک عمیق ایشان از جایگاه اجتماعی‌شان و پیوند اصیل سینما با مردم است».

روایت زندگی معمولی در پوش انجمن

در همین ایام زیر مجموعه‌های سازمان سینمایی نیز تلاش کردند تا با اقدامات خلاقانه و همدلانه فضای روانی جامعه و شرایط مواجهه با جنگ را کنترل کنند. انجمن سینمای جوان یکی از همین زیرمجموعه‌ها بود که پوشی با نام «وطن به روایت من» را به راه انداخت. انجمن سینمای جوان پوشی را عمومی اعلام کرد و از همه مردم خواست تا فقط مستندساز جنگ نباشند، بلکه روایت‌گری کنند. روایتی از زندگی روزهای جنگ‌شان، روایتی از زندگی معمولی که به مناطق مورد حمله منوط نمی‌شود. قرار بر این بود که مردم در دوران جنگ، روایتی از یک زندگی معمولی را در قاب تصاویری بنشانند که تصویری از جنگ مدرن امروز بود، نه جبهه و خاکریز.

چند ساعت بعد از آتش بس، مردم به سینما رفتند

رئیس سازمان سینمایی حتی پس از اعلام آتش‌بس به صورت حضوری به بازدیدید پردیس سینمایی باغ کتاب رفت. قرار حضور و بازدید رئیس، تشکر و قدردانی از فعالیتی بود که شهرداری، حوزه هنری در روزهای جنگ باقی نگاه داشتند. رئیس سازمان سینمایی در این بازدید، خبری هم اعلام کرد؛ در فعالیت مجدد سینماها رفته رفته به تعداد مخاطبان افزوده شده است. او خودش در بازدیدهای میدانی که از سالن‌های سینمایی در ایام جنگ داشته، این افزایش مخاطب را به چشم دیده است. آمارها هم نشان می‌دهند که سه‌شنبه تنها چند ساعت بعد از اعلام آتش‌بس ۶۸هزار نفر مخاطب سینما بوده‌اند. آمار تماشاگران سینما به ترتیب در استان خراسان رضوی و تهران بیشتر از سایر استان‌ها بوده است.

زبان هنر توانمندتر از هر امکانی

در تعریف جنگ مدرنی که در دو هفته گذشته تجربه کردیم، همه‌چیز معنای تازه‌ای یافت. از معنای جنگ، تا معنای هنر در میانه جنگ. اقداماتی که سازمان سینمایی در این دو هفته انجام داد، نمونه‌ای از تغییر معنای جنگ در جهان جدید بود. اگر روز گاری نام جنگ به تنهایی می‌توانست هنر را فلج کند، امروز هنر از پای ننشسته است. امروز که همه چیز به پایان رسید، جنگ تمام شد، صدای موشک و انفجار دیگر شنیده نمی‌شود، وقت بازگشت به زندگی پیش از جنگی است که سایه آن را تجربه کرده و چه امکانی توانمندتر از زبان هنر.



گفت‌وگو با احسان عبدی‌پور درباره اجرای ویژه «جان بی قرار»

ضیافت قصه و موسیقی در تئاتر شهر



«جان بی‌قرار»، روح‌افزای جان جنگ‌زده

احسان عبدی‌پور که به واسطه کارگردانی چند فیلم سینمایی و البته پادکست‌ها و قصه‌های شنیدنی خود به چهره‌ای محبوب تبدیل شده، افشاریان را در این اجرا همراهی می‌کند. قرار بر این است که «جان بی‌قرار» روز جمعه ششم تیرماه در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر میزبان مخاطبان باشد و ورود برای عموم مردم آزاد و رایگان است.

اگر احساس می‌کنید حضور در خلوتی دنج و شنیدن به روایت‌هایی بی‌تکلف و گوش سپردن به قطعات موسیقی می‌تواند تحولی در احوال این روزهای شما ایجاد کند، فردا عصر سری به مجموعه تئاتر شهر بزنید تا لحظاتی را در آرامش برآمده از دنیای هنر سپری کنید.

احسان عبدی‌پور در گفت‌وگویی کوتاه جزئیات بسیاری از «جان بی‌قرار» بیان کرد که در ادامه می‌خوانید.

«جان‌اولیه «جان بی‌قرار» چگونه شکل گرفت و چه عاملی باعث شد تا درست در هنگامه جنگ، به فکر اجرایی کردن این ایده باشید؟

زمانی که ایده شکل‌گیری این اجرا مطرح شد، ما هنوز نمی‌دانستیم که آتش‌بسی در کار خواهد بود. بانی اجرای «جان بی‌قرار» سجاد افشاریان بود. او در مدتی که جنگ جریان داشت، در یک اقدام زیبا، کافه خود را باز نگه داشت و آن را تبدیل به مکانی امن کرد که آدم‌ها می‌توانستند لحظاتی فراغ از وقایع جنگ را در آن سپری کنند. افشاریان با من تماس گرفت و از ایده‌ای گفت که براساس آن بتوانیم با مردم در محیطی جمع شویم و اضطراب را از دل‌های یکدیگر برداییم و لحظاتی را در آرامش سپری کنیم. قصد ما این است که در این جمع به نقل روایت و قصه‌گویی بپردازیم.

«ظاهرا «جان بی‌قرار» اجرایی رایگان است...

بله این اجرا به صورت کاملاً رایگان خواهد بود و حتی برای آن شرایط رزرو هم قرار ندادیم تا همه افراد بتوانند بدون دغدغه در جمع ما حضور داشته باشند. اگر استقبال بیشتر از حد انتظار و فراتر از گنجایش سالن بود، این امکان وجود دارد تا مردم حتی بر روی سن حاضر شوند و در کنار ما شونده قصه و موسیقی باشند.

«جان بی‌قرار» یک نمایش صحنه‌ای نیست؟ کمی از جزئیات مربوط به این اجرا بگویید.

«جان بی‌قرار» محفلی است که به صورت کاملاً دلی شکل گرفته و مخاطب هدف ما افرادی بودند که در شرایط دشوار حاصل از جنگ، حضور در شهر تهران را به ترک آن ترجیح داده بودند و در عین حال با نوعی اضطراب دست و پنجه نرم می‌کردند. سنی کردیم محیطی را فراهم کنیم که در آن بتوانیم همگی به صورت کاملاً دوستانه در کنار یکدیگر حضور پیدا کنیم و به همین دلیل سود و عایدی مالی هم برای آن تعریف نشده است. مردم بدون پرداخت هزینه می‌توانند در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر حضور پیدا کنند.

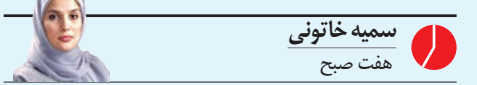
چرا «جان بی‌قرار»؟

قرار است روز جمعه عصر برای یکدیگر قصه‌هایی را نقل کنیم و شنونده موسیقی باشیم. بخش اصلی این اجرا مربوط به روایت و اصل روایت‌گری است و در تلاش هستیم تا مدتی در حدود یک ساعت و نیم بتوانیم لحظات آرامش بخشی را در کنار یکدیگر رقم بزنیم.

روایت

روایت یک روزنامه نگار

جنگ اثر ندارد، آثار دارد



امروز را باید جشن بگیرم چون دیروز را جشن نگرفتم. زمان همیشه برای ما تونل‌هایی می‌سازد که فکر کنیم امروز بدترین روز است، در حالی که با سپری شدن ثابت می‌شود، دیروزی که گذشت بهترین روزمان بود!

با این عنوان می‌خواهم بروم به گذشته‌ای که احساس می‌کردم هیچ چیز خوبی در آن نیست. گذشته که می‌گویم همین یک هفته پیش است، از زندگی سیر بودم، به عنوان یک خبرنگار، روزنامه‌نگار و منتقد سینما سوژه‌ها برایم اهمیت داشتند اما اهمیت کافی برای پرداخت به آن‌ها را نداشت. یک کلام خدا را شکر نمی‌کردم، قدر عاقبت نمی‌دانستم، چون غرق در اتنیوپایی شخصی‌ام بودم.

به زمین و زمان بد می‌گفتم؛ با اینکه همه چیز خوب بود. من یک انسان شبه‌مدرن بودم. مدرنیته با هوش مصنوعی و کارزار عمیق و بحر اطلاعاتی‌اش با دسته مقالات و اطلاعاتی که به راحتی در اختیارت می‌گذاشت، از طرفی مرا لبریز می‌کرد و از طرفی با خواندن مقاله‌ها دچار سرخوردگی شخصی می‌شدم. فکر می‌کردم جهان با سرعتی بی‌مثال در حال عبور از من است. جهانی پر از چرخش، گذران با از سسکه انداختن امر کهنه‌ا و من برای اینکه بتوانم به سرعت این تشدید برسم نیاز دارم که حداقل ده نفر باشم. اما ما نه نفر نبودم، یک نفر بودم که با نگارش یک مقاله کوتاه یا بلند نیاز به استراحت داشتم؛ اما چه استراحتی، وقتی که در خواب‌هایم هم عنصری به عقب رانده بودم من حتی از تعبیر خواب‌های خودم قاصر بودم.

خلاصه اینکه در روز گاری بودم که فکر می‌کردم حتی برای خواندن یک قطعه شعر هم وقت ندارم و باید بچنیم که از قافله عقب نمانم.

جهان ضرب‌الاجلی بی‌حوصله

دو ایده و کار ضرب‌الاجلی داشتم؛ اول اینکه هر طور شده به سرعت نه به لذت، رمان «در جستجوی زمان از دست رفته» اثر پروست را بخوانم و در میانه کار های روزمزه، به داستان صوتی برادران کارمازوف گوش دهم. همچنین کتاب «نظریه‌های روایت» والاس مار تین هم لازم بود –برای آفت‌وگو با محمد شهباب، مترجم کتاب. آن را خوانده باشم. باز هم نه برای اینکه با نظریه‌های روایی آشنا شوم، برای اینکه بتوانم گفت‌وگوی با کیفیتی با شبها را منتشر کنم. همین‌جا بگویم قدمد از شنیدن رمان صوتی کارمازوف هم چیزی شبیه همین بود؛ می‌خواستم

اقتباس اکثای براهنی را از این کتاب در اثر سینمایی «پیرپسر» جستجو کنم. همه این‌ها و خیلی چیزهای دیگر که حوصله گفتن و طرح‌شان نیست. فقط مختصر اشاره می‌کنم که گاهی سرک به زمانی که در حال نگارش آن بودم هم می‌زدم. همه این‌ها روی دلم، تنم و سرم سنگینی داشت و فکر می‌کردم با این همه کار خواب و خوراک ندارم. آن روزها برداشتم از نداشتن خواب و خوراک سطحی بود، چه روزهای خوبی بود؛ التهاب داشت اما التهابی از جنس تغییر و پیشرفت، با انسانی که در عصر حاضر هیچ چیز شبیه انسان گذشته نیست، او حتی خواندن رمان و دیدن فیلم را نیز جزئی از وظایفش نهاده و لذت در جای دیگری مشغول است. نمی‌دانم شاید در لحظاتی که بی‌بندوبار و تنها به نیت هیچ‌ان و خنده، صفحه اکسپلور گوش‌ی و یا اینستاگرامش را بالا و پایین می‌کند، به غیر از این دیگر همه چیز فقط با اندیشه تلاش برای بهتر شدن بود.

بیمی که میان سفره مردم خورد

ناگهان یک شب با صدای چند انفجار، همه زندگی‌ام را لکنت گرفت! انفجاری که ناقوس‌خوان شروع یک جنگ تمام‌عیار بود. صبح آن روز همه گفتند بمب به خانه ششش نفر از فرماندهان نظامی ایران اصابت کرده، اما من معتقدم این بمب به همه خانه‌ها و به همه مردمم خورد. در ست وسط سفره پهن‌مان، وقتی داشتیم مخلفات ذهنی و آینده‌نگرانه خود را روی سفره می‌چیدیم و نگاه می‌کردیم چه چیز کم است و چه چیز زیاد؛ وقتی چشم و ذهن‌مان مدام تکرار می‌کرد این سفره ساده است و باید رنگین‌تر شود.

نه من، نه ایران، نه غزه، همانیم!

ما در پی خریدن ماشینی لوکس‌تر، زیباتر کردن صورت، گرفتن یک مدرک تحصیلاتی بالاتر، تغییر دکوراسیون منزل و اندام، خرید لباسی زیباتر و یا یادگیری مهارت‌سی افزون‌تر بودیم، که دستی آمد و غائله را عوض کرد. تا نیمه جاشنی‌ای از دردی را به ما بچشاند که مصرف روزانه مردم مظلوم غزه است. غزه تا چند وقت پیش برای من کلیپ‌های نیمه مستند کوتاهی بود که با دیدنش سرنگان می‌دادم و در نهایت می‌گفتم: «الهی بیچاره‌ها چه گناهی دارند، خدا اسرائیل را لعنت کند» و بعد می‌رفتم سر گاز تا غذای دلخواه آن روزم را آماده کنم؛ اما امروز دیگر نه من، همان هستم، نه ایران، همان ایران و نه غزه همان غزه!

هر چند که هنوز راه زیادی مانده تا غزه را بفهمیم؛ یا شعری از شاملو آرام می‌کند، «اِه... آری، انسان دشواری وظیفه است!» حالا سنگینی وظیفه انسان بودن را که بر همه وجودم سایه انداخته حس می‌کنم.

آن‌ها به خانه من آمدند

مواجهه با جنگ برای انسان در هر دوره متفاوت است و در شرایط سخت حتی تجربه‌های آزموده به کارت نمی‌آید. این را از خودم نمی‌گویم، صدای خسته شمس لنگرودی که قطعه‌ای از رمان خودش را می‌خواند به یاد می‌آورم. رمان «آن‌ها به خانه من آمدند- گاهی تجربه‌هایی که آدمی از سر گذرانده به کارش نمی‌آید...» گویا مواجهه با هر اتفاق در هر روز مواجهه‌ای نو با امری تازه و بدیع است.

بله، ما انسان قبل از انقلاب صنعتی نیستیم که حالا درهای خود را در انسان غربی پیش و پس از جنگ جهانی دوم بکولیم. ماحتی مردم ایران در دهه ۶۰ نیستیم که با تجربیات هشت ساله جنگ تحمیلی، آماده رویارویی با این نبرد شویم. مردمی که سهم‌شان از اخبار جنگ یک رادیو و یک تلویزیون با دو شبکه نیمه‌فعال بود و به محض شنیدن آژیر با هر لباسی که به تن داشتند در پناهگاه‌ها دور هم جمع می‌شدند و گاهی برای ساعات طولانی ماندن در پناهگاه یک هندوانه، پتو و تخمه هم با خود می‌بردند. من از روزهای هشت سال جنگ تحمیلی ایران و عراق همین به یاد مانده و سینمایی که در آن مردان بزرگی را تصویر کرده که تاثيرشان در زندگی من برای بهتر پیدا کردن مسیر است، زمانی که برای رسیدن به مقصد باید از همت بیندازم واز باقری خارج شوم تا در ترافیک صیاد نمانم!

جنگی که شبیه سینما نیست!

اما امروز و در این جنگ، حالا همه ما یک تلویزیون ۲۴ ساعته همراه با خود حمل می‌کنیم که به دلیل اینترنت ملی چیزی مهم‌تر از اخبار جنگ در آن نمی‌شود یافت! ما امروز اخبار جنگ را نه ساعت به ساعت که لحظه به لحظه مانند بازی فوتبال دنبال می‌کنیم! حالا مردمی که به واسطه تکنولوژی و قطعی ارتباط خانه همه چیزشان شده، به کجا کوچ کنند؟ از کتاب تا لپ‌تاپ و قهوه‌های فوری شخصی تا تنها مبل و تختی که با عادت به آن الصاق شده‌اند. من این جنگ را کجای دلم بگذارم وقتی که هیچ چیز شبیه به سینما و حتی مستندات جنگی نیست.

مردان غیور بر تراس خانه‌ها

من امروز، پس از پنج سال سکونت در آپارتمان، به واسطه صدای پدافندها، برای نخستین‌بار همسایه‌هایم را از پشت پنجره می‌بینم. این روزها انگار پشت بازوی مردهای دلیر و غیور ما یک انرژی و خشم فروخورده عمیاد کرده. مردهایی که جنگ را نه در میدان نبرد که از تراس خانه دنبال می‌کنند و باید چشم در چشم



زن و بچه‌هایشان به آسمان خیره شوند تا تحلیل دقیق‌تری از میزان احتمال خوردن پدافندها را به خانه ارائه کنند.

نظاره زیبای تخریب گرانه

آری این جنگ هیچ چیز شبیه آنچه که از جنگ سراغ داشتیم نیست، همه چیزش امروزی است جنگی که حتی در شلیک موشک‌هایش، به جای وحشت، باید زیبایی تخریبگرانه‌اش را نظاره‌گر باشیم و هر روز اخبار تل‌آویو را بیشتر از تهران و ایران بشنویم. مجبوریم که با تماشای خراب شدن برج‌ها و خانه‌های مردم ساکن در فلسطین احساس غرور کنیم و بگویم احتمالاً اوضاع بهتر خواهد شد؟ اما آیا به راستی اوضاع بهتر خواهد شد؟

یک خط خبر، یک ابد خاطره

اثر جنگ در تاریخ در چند جمله خلاصه می‌شود. در حمله سال ۲۰۲۵ و در جریان جنگ ایران و اسرائیل که فلان قدر سال و یا ماه طول کشید، ایران موفق شد رژیم اسرائیل را شکست دهد. چیزی که در تاریخ می‌ماند همین چند جمله با تعدادی از آمارهای عملیاتی است. اما جنگ به این‌ها ختم نمی‌شود و آثارش تا ابد باقیست در هنر، در خاطرات، در جای خالی کشته‌ها و امارهای مرگ نیمه کشته‌ها... در خانه‌ای که خراب شد و دیگر مثل قبل ساخته نشد. در زندگی که دچار وحشت شد و اضطراب عادتش شد.

جنگ اثر ندارد. آثار دارد. آثاری که خلاصی از آن امکان‌پذیر نیست. آثاری که خود را در فقر، گرسنگی و عقب‌ماندگی و زخم‌های روحی همیشه باز نشان می‌دهد.

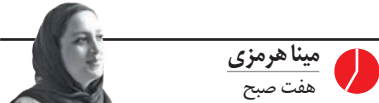
جنگ یک بازی هیجان‌انگیز و رقت‌انگیز

گاهی با خودم فکر می‌کنم، به راستی در جهانی که به واسطه تکنولوژی، ادعای مدرنیته دارد؛ چرا هنوز شعله‌های جنگ می‌سوزد و می‌سوزاند؟ انسان اندرویدی سال ۲۰۲۵ که



خوب و بد همه جا هست؛ گزارشی از استان های شمالی

مهمان نوازی ها و سودجویی ها در شرایط بحرانی



مینا هرمزی
هفت صبح

جنگ است، شوخی که نیست؛ اولین کاری که مردم زیر بمباران موشک و پهپادها انجام می دهند، به طور غریزی، تلاش برای حفظ امنیت جان خود و زنده ماندن خانواده شان است. بعد از آغاز جنگ ایران و اسرائیل، بسیاری از شهروندان شهرهای مختلف، به طور موقت راهی نقاط دیگر کشور که کمتر در گیر جنگ بودند شدند. در این میان شهرهای شمالی کشور بیشتر از سایر شهرها و استان ها پذیرای هموطنانمان بود بطوریکه به گفته استاندار مازندران، فقط این استان در هفته گذشته میزبان بیش از ۶ میلیون نفر از ایرانیانی بود که به این محل مسافرت کرده بودند در این میان گیلان نیز از این قاعده مستثنا نبود. با اینکه بازارهای شلوغ پایتخت سوت و کور شده اند اما

کرکره مغازه های گیلان یکی پس از دیگری بالا کشیده می شدند تا معیشت مردم با مشکل مواجه نشود. با این حال در طول ۱۲ روز جنگی گذشته، به خاطر خیل عظیم مسافران تعدادی از اقلام مورد نیاز مردم با کمبودهایی مواجه شده بود و همین امر بهانه ای برای سودجویانی شده بود تا قیمت آنها، به چندین برابر نرخ واقعی شان برسد.

❖ **گران فروشی و جیره بندی!**

خبرهای مثبت و منفی زیادی از این استان مهمان پذیر در طول این مدت منتشر شده بود. از اجاره بالای ویلا و هتلها تا گران فروشی و جیره بندی مواد غذایی و بنزین. عده ای می گویند نان و بنزین نیست؛ برخی ها از صفهای طولانی نانوائی ها و دو برابر شدن قیمت های گویند گرچه شرایط بنزین زدن را هم آسان نمی دانند.

مرتضی از شهر اصفهان به گیلان آمده است و همراه خانواده اش چند روزی است که میهمان مردم این استان است. وی در مورد وضعیت خدمات رسانی در طول مدت یاد شده، در این استان می گوید: متأسفانه قیمت اقامتگاه ها بسیار بالا رفته بود. مثلاً برای یک خانه ساده باید شبی بین ۲ تا ۳ میلیون می پرداختی که با جیب ما کارمندا جور در نمی آمد. برای همین مجبور شدیم چادر بنزیم. مرد میانسال دیگری که گویا وی نیز همراه خانواده از تهران به این استان سفر کرده و حالا شاهد گفت و گوی ما با مرتضی است نیز وارد بحث می شود و می گوید: می گویند همه چیز فراوان است اما ما که غیر بومی هستیم واقعاً چنین احساسی نداریم.

وقتی من مسافر مجبورم در صف چند ده نفری نانوائی بایستم تا بعد از چند ساعت ۵ عدد نان گیرم بیاید، به نظر شما این نشان از فراوانی کالا است. یا وقتی می خواهی نان بستیای بگیری باید ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار توان بابت یک بسته بدهید، آیا این نشان از عادی بودن قیمت هاست؟! منصوره، همسر مرتضی نیز انگار که چیزی به خاطرش آمده باشد در تایید سخنان مسافر تهرانی با لحن شیرین اصفهانی است می گوید: دیشب خانم چادر بغلی ما در پارک می گفت که مجبور شده یک بطری آب ۱/۵ لیتری را ۸۰ هزار تومان بخرد. وی می گفت که گوشت و مرغ هم با چندان برابر نرخ واقعی به فروش می رسند. مکتی می کند. انگار در حال مزه کردن حرف هایش است. بالاخره می گوید: البته از حق نباید گذشت که در طول مدتی که اینجا بودیم بسیاری از مردم بومی وقتی چیزی از شان می خواستیم تلاش می کردند تا در حد توان آنها را بر آورده کنند. بالاخره همه جا هم آدم های خوب هستند و هم آدم های سوء استفاده چ!

❖ **هیچ مسافری بدون نان، بنزین و سرپناه نمانده است**

باین حال استاندار گیلان در گفت و گویی با روزنامه هفت صبح ادعای گران فروشی و جیره بندی را رد کرد و گفت: هیچگونه جیره بندی در استان اتفاق نیفتاده و بنزین، نان و مواد غذایی به اندازه کافی در دسترس مسافران و مردم استان قرار گرفته است و هر فردی هر اندازه بنزین که خواسته به او داده شده و مسافری در این زمینه با مشکل مواجه نشده است.

هادی حق شناس با بیان اینکه با شلوغ شدن شهر، صف نانوائی ها و پمپ بنزین ها شلوغ شد اما هرگز جیره بندی اتفاق نیفتاده اظهار داشت: وقتی چهار و نیم میلیون نفر مسافر که یک و نیم میلیون نفر بیشتر از جمعیت گیلان است وارد استان شدند حتی یک مورد نداشته ایم که فردی در خیابان ها یا پارکها چادر زده باشند، برعکس تعطیلات عید نوروز، مسافران به خانه های بستگان خود یا از هتل و هتل

❖ جنگ تا چه زمانی ادامه دارد؟

هنوز باور جنگ برای مردم سخت است و ناآوارانه از همدیگر می پرسند، تا چه زمانی این وضعیت ادامه پیدا می کند؟ سوال مهمی که هیچکس جوابش را نمی داند. اقتصاد کشور مدت هاست که گرفتار رکود است؛ رکودی که حالا با جنگ نیز گره خورده است، بنابراین برنامه اقتصادی بسیار ماهرانه ای حائز اهمیت است. البته دولت اعلام کرده، توزیع کالاهای ضروری مانند نان، بنزین و اقلام خوراکی و بهداشتی ادامه دارد و تلاش می کند که روند توزیع این اقلام با اختلال جدی مواجه نشود. اما خوشبختانه سایه این جنگ ۱۲ روزه بالاخره از سر مردم ما کنار رفت و آتش بس شد. ۱۲ روزی که صدای شلیک های پیایی زندهوایی و انفجار و آتش و دود، هم روز و هم شب، خواب و آرامش مردم را از بین برده بود. جنگ درست همان جا که زندگی مردم جریان دارد روی می دهد و می تواند جامعه ای را به فروپاشی بکشانند. چه از بعد اجتماعی و چه از بعد اقتصادی. جنگ ها می توانند تیر خلاصی باشند برای یکپارچگی اجتماعی و رشد و توسعه اقتصادی. بنابراین به نظر می رسد تنها با مشارکت دولت و مردم می تواند اقتصاد را نجات دهد.

استاندار گیلان: هیچگونه جیره بندی در استان اتفاق نیفتاده و بنزین، نان و مواد غذایی به اندازه کافی در دسترس مسافران و مردم استان قرار گرفته است و هر فردی هر اندازه بنزین که خواسته به او داده شده و مسافری در این زمینه با مشکل مواجه نشده است.



حوادث

روزی که موشک ها ساکت شدند
اما داغ ها ماندند

داغ دیده اما سرافراز

در شهری که موج انفجار شیشه ها را شکست، مردم با دست های خالی ایستادگی را ساختند



فاطمه شیخ علیزاده
دبیر سرویس حوادث

یک روز است که اصابت موشک های رژیم متجاوز صهیونیستی به میهن مان متوقف شده اما زخم ۱۲ روز جنایتی که نیروهای اسرائیلی در قلب ایران مرتکب شدند، هنوز تازه است. برای عده ای که خانه شان آسیب دید، شاید با گذر زمان جبران پذیر باشد اما برای کسانی که عزیزان شان را از دست دادند، این جنگ هرگز پایان نخواهد یافت. در ذهن، در روح، در گوشه ای از دل که داغ ها هیچ گاه سرد نمی شوند.

❖ **وحد حسونده: قهرمانی تا آخرین نفس**

در میان نام های بی شمار رزمندگان، نامی با صلابت تر از همیشه در دل ها تکرار می شود: وحد حسونده.

❖ مردی از ارتش، مردی از مردم

۴۹ ساله، مجرد و پر از شوق خدمت. قهرمان ملی در رشته های کیک بوکس و کاراته. ۱۲ سال روی سکوی اول کشور ایستاد و ۱۶ سال افتخار آفرین نیروهای مسلح بود. اما چه او را قهرمان کرد، فقط مدال نبود؛ منش او بود.

ایمان مرادی، دوست و هم تیمی دربینه اش، در گفت و گویی مفصل با خبرنگار ما، از وحد می گوید: «من و وحد اولین بار سال ۸۱ در باشگاه با هم آشنا شدیم. آن موقع من نوجوان و تازه وارد دنیای کاراته شده بودم. وحد یک قهرمان نبود، اما هیچ وقت غروری در رفتارش ندیدم. همیشه اولین نفر بود که به تمرین می آمد و آخرین نفر که می رفت.»

ایمان ادامه می دهد: «وحد در عملیات کاری، همان گونه که یک عمر در میدان ورزش و خدمت ایستاده بود، سرافراز به شهادت رسید. و این آخرین سنکوی قهرمانی اش بود؛ سنکویی که با خون فتح شد، اما نامش را تا همیشه جاودانه کرد.» دوست وحد گفت: «وحد حسونده از نیروهای خوب ارتش در این جنگ به صورت داوطلب در

عملیات کاری شهید شد.» او ادامه داد: «وحد آدم آرام و متینی بود. خیلی کم عصیانیش را دیده بودم. حدود ۲۳ سال رفیق بودیم کلا در این مدت عصیانیش را ندیدم و بسیاری اخلاق و مودب بود در ورزش هم به حریفش سختی نمی داد که برای حریفش اذیت کننده شود.»

❖ خانه ای که شکست نخورد

در حکیمیه تهران، جایی میان ساکت ترین خیابان ها، صدای انفجار، آسمان را شکافت اما قلبی را نشکست. علیرضا زارعی، پدر یک کودک خردسال، از آن لحظات می گوید: «ساعت حدود ۲ و نیم شب بود. پسرم تازه خوابش برده بود. یکدفعه صدای مهیبی آمد. انگار تمام شیشه های دنیا با هم ترک کردند. خشک مان زده بود. چند دقیقه بعد فهمیدم از دور موج انفجار آمده.»

او تصمیم گرفت خانواده را چند روزی به شمال ببرد.

«دلم نمی خواست پسرم صبح با صدای آژیر از خواب ببرد. بچه است اما مغزش ثبت می کند. از اضطراب را نمی خواستم در نگاهش ببینم. با خانمم تصمیم گرفتیم چند روز به شمال برویم. خودم زود تر گشتم چون باید سر کار می رفتم. وقتی برگشتم خانه، دیدم پنجره آشپزخانه شکسته، شیشه ها وسط خانه پخش شده. حتی قاب پنجره هم لق شده بود.» زارعی همان شب با برادرش تماس گرفت. یک قاب فلزی دست دوم از بازار تهیه کردند و در عرض یک روز پنجره را تعمیر کردند.

❖ مادری در دل آتش، پسری در دل غیرت

مهدی طاهر از محله پیروزی، هنوز صدای مادری را در گوش دارد که از شوک انفجار نمی توانست حرف بزند. «آن روز من و همسر سر کار بودیم. خانه مادرم



در طبقه پایین خانه ماست. یکدفعه دیدم همسایه تماس گرفت، گفت در و پنجره ها از جا در آمده، صدای جع شنیده بودند. وقتی رسیدیم، دیدم مادرم روی میبل نشسته، رنگش پریده، حتی نمی توانست گریه کند.» مهدی در ادامه می گوید: «خانه ما و پدرم در محله پیروزی تهران است. در این چند روز که حملات رژیم متجاوز صهیونیستی در تهران ادامه داشت، مکانی در فاصله بسیار نزدیک به خانه های مسکونی مورد اصابت پهپاد قرار گرفت. من و همسر سر کار بودیم اما مادرم در خانه بود که از موج انفجار شیشه ها خرد شد و در و پنجره ها از جای شان در آمده بود. مادرم به شدت ترسیده و شوک خیلی بدی به او وارد شده بود که شاید تا مدت ها نیاز به مراقبت و حمایت داشته باشد.»

❖ داغی که به دور بین لبخند زد

در میان نام شهدای این روز ها، نام علیرضا تنابنده، برادرزاده بازیگر شناخته شده سینما و تلویزیون، محسن تنابنده نیز دیده می شود. او از جوانانی بود که در پی حملات رژیم صهیونیستی، به درجه رفیع شهادت رسید.

❖ پایان یک حمله، آغاز یک ایستادگی

با وجود خسارات، با وجود اشک ها، با وجود داغ های جانکا، که حقیقت درخشان تر از همیشه خودنمایی می کند: مردم ایران نمی شکنند. شیشه ها می شکنند، دیوارها ترک بر می دارند اما ایمان این مردم ترک بردار نیست. دل هایشان، خانه هایشان، داغ دار است اما سرافراز، در چشم هایی که از اندوه برق می زنند، هنوز نور ایستادگی هست. و تا این مردم هستند، هیچ حمله ای نمی تواند آن ها را از پا در آورد.

گزارش

روایت میدانی خبر نگار هفت صبح از روزهای جنگ در شهر زنجان

شور زندگی در شهر چاقوها!



مرتضی کلیلی
هفت صبح

با شدت گرفتن حملات رژیم اسرائیل به تهران و دیگر شهرها و هدف قرار دادن بیرحمانه مناطق مسکونی و ترس کودک خردسالیم از صدای پدافندها و انفجارها، مجبور شدم به خانه یکی از دوستان در شهر زنجان بروم. چون طبق شنیده هایم، این شهر کمتر از دیگر شهرها مورد هجوم حملات قرار گرفته بود.

البته که زنجان پیش تر با شهادت سرهنگ مجید قاسمی کشتی گیر و از نیروی هوافضای سپاه انصارالمهدی و پاسدار بسیجی رضا تجفی فرمانده سپاه شهرستان ایچرود و شهید بسیجی امیر خانی از جامعه کشتی زنجان در حملات اولیه، دین خود را باز هم به جمهوری اسلامی ادا کرده بود. برخلاف روزهای اول حمله اسرائیل به تهران که برخی از مردم با تصمیمات هیجانی بلافاصله اقدام به ترک تهران گرفتند و شاهد ترافیک سنگین در خروجی ها بودیم، بدون دردسر، ترافیک و فقط با کمی تاخیر به زنجان رسیدیم. در ابتدای ورودی شهر داشتم چیز عادی جلوه می کرد. زندگی روزمره جریان داشت و خبری از هرج و مرج و تکیاوی غیر عادی مردم نبود. حتی ذره ای اضطراب و نگرانی در چهره زنجانی ها نمی دیدم.

❖ زندگی عادی در زنجان جاری بود

بعد از ساکن شدن در خانه دوستم و کمی استراحت، رفتم و گشتی در شهر زدم. همه چیز عادی بود و مردم به کارهای روزانه شان می پرداختند. نه خبری از صف های چند کیلومتری پمپ بنزین بود، نه خبری از صف های طولانی نانوائی ها. مغازه ها همه باز بودند. در سبزه میدان و حوالی آن را در روزهای محرم به ویژه مراسم باشکوه دسته حسینیّه اعظم و روز یوم العباس می بینیم، همه مغازه های سوغاتی فروشی باز بودند و پذیرای تهرانی های مهمان در این شهر.

❖ سوغاتی برای شجاع دلان تهران مانده

شور و شوق را در چهره تک تک مسافران تهرانی و کرجی میهمان مردم زنجان می دیدم که در مرکز شهر مشغول

خرید سوغاتی بودند. حالا برای خودشان یا اقوام شجاع دلانی که در تهران مانده بودند. یک دختر جوان، برای نامزدش یک چاقوی دسته شاخ گوزنی کوچک می خرید و از شجاعت او برای مرد مغازه دار تعریف می کرد. می گفت فلان جای حساس کار می کند و دل شیر دارد و از این حرف ها. پیش خودم گفتم «دختر جان! با ایسن تعریف و تمجیدهایی که از دلیری های آن آقا کردی، باید یک شمشیر یک متری اصل زنجونی بخری نه این چاقوی کوچک».

❖ جنگ میان جنگی که نیست

در بازار مسگرها غوغایی بود. برق ظروف مسی دل هر خانم عاشق ظروف آشپزخانه را می برد. باید می دیدید که با چه ذوقی به این قاشق و چنگل ها، سماور ها، دیگ ها و مجسمه های مسی نگاه می کردند. در منطقه ای دیگر برای خرید برنج، برای خانه دوستم به یک سوپرمارکت رفتم که گفت همه اجناس اصلی ما محتاج زندگی روزمره را برده اند. فروشنده گفت: «یک آقای ۷۰ عدد تن ماهی، ۵ کیسه برنج، ۲۰ عدد روغن ... را یک جا خرید!» گفتم: «مگر جنگ است؟» بعد یادم آمد آهان جنگ است دیگر، چرا برایم جای تعجب داشت؟

در شهری که بعضی شب ها فقط صدای تک و توک پدافند فقط برای دو، سه دقیقه می آمد، این هم از ترس قحطی و نبود کالا، خیلی غیرمنطقی بود.

حدمس در دست بود. آن یک مغازه و آن مرد هیجان زده فقط دچار این مضل شده بودند. چون بعد از آن به هر مغازه ای در مناطق دیگر سر زدم، خبری از کمبود اجناس و رفتارهای هیجانی نبود. البته دروغ چرا؟ گونی برنج ۱۰ کیلویی که به قیمت سه میلیون و ۳۰۰ هزار خریدم، دوستم گفت ماه پیش کیلویی فقط ۲۰۰ هزار تومان بود!

❖ جنگ است، مهمان ما باشید

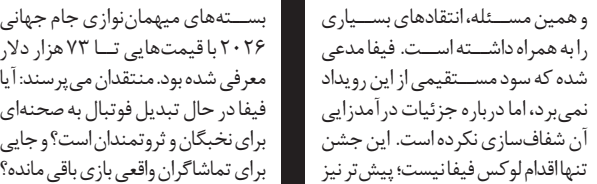
جنگ است دیگر... امان از دست این دلال ها، بعضی از مردم و فروشنده های ناتجیب. بعد از چند روز گشت و گذار در شهر، چیزی که توجهم را جلب کرد، آرامش مردم بود. مردم مدتی که تحت تاثیر همان شور و شعور حسینی که به آن معروف هستند، با مهربانی با مهمانان پناه آورده به شهرشان رفتار می کردند. مثلاً دیدم که در صف نان سنگکی نوبت شان را به مهمانان تعارف می کردند و اصرار داشتند اگر جایی برای اسکان ندارید، مهمان ما باشید.



این موضوع در حالی مطرح می شود که پرسپولیس، قهرمان ادوار مختلف لیگ برتر ایران، در آستانه شریک در فصل جدید نیاز مبرمی به تقویت ترکیب خود دارد. اما حالا با فاضی جدید، جذب بازیکنان جدید به یک چالش جدی برای مدیران این باشگاه تبدیل شده است. از سوی دیگر، هواداران پرسپولیس که به حضور یک سرمربی خارجی و باتجربه همچون کار탈 دل بسته بودند، حالا با گرانی به فصل آینده نگاه می کنند. این‌ها می‌دانند که باتجربه مهاجرهای زارنفس و پادینو، گذشته‌های گذشته تکرارشدنی نخواهد بود. پرسپولیس، که همیشه در فصل نقل و انتقالات یکی از فعال ترین تیم‌ها بوده، به نظر پیش از هر زمان دیگری در تگنا قرار گرفته؛ تگنایی که این‌ها ادامه پیدا کند، ممکن است حتی به‌رام‌ها را تا تکنیکی کارتال ازبک با اختلال مواجه سازد.

[illegible]

فوتبال یا نمايش نخبگان؟



فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا) قصد دارد همزمان با جام جهانی باشگاه‌ها، جام جهانی مجلل در نیویورک بر گزار کند؛ جامی که قیمت بلیت آن ۱۰۰ دلار تا ۳۰۰۰ دلار افزایش است و در یکی از مکان‌های لوکس خیابان وال استریت بر گزار می‌شود. این مراسم با مشارکت شرکت بین‌المللی «Big Art» بر گزار خواهد شد و طبق اعلام رسمی، جایی ایفانتینو، رئیس فیفا، به همراه ستاره گانی مانند کاکا، رونالدو، و روبرتو کارلوس و باجو در آن حضور خواهند داشت. اجرای اصلی این شب در ایتا اورا، خواننده بریتانیایی برنده دارو مراسم شامل ضیافت شام و برنامه‌های هنری متنوع خواهد بود. با وجود تبلیغ این مراسم در وب‌سایت رسمی فیفا، هیچ اشار‌ای به قیمت‌های بالا نشده

و همین مسئله، انتقادهای بسیاری را به همراه داشته است. فیفا مدعی شده که سود مستقیمی از این رویداد نمی‌برد، اما درباره جزئیات درآمدزایی آن شفاف‌سازی نکرده است. این جشن تنها اقدام لوکس فیفا نیست؛ پیش‌تر نیز

5

جدول کلمات متقاطع

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
															۱
															۲
															۳
															۴
															۵
															۶
															۷
															۸
															۹
															۱۰
															۱۱
															۱۲
															۱۳
															۱۴
															۱۵

۱- صحرانشین - در کار خیر حاجتش نیست
۲- آشیانه پرندگان- محل گذر آب پشت بام- ناگهانی خودمانی
۳- هنگام- همدست- غلاف شمشیر
۴- خیالات- زیرک- از همسران حضرت ابراهیم (ع)
۵- خودروی مسافربری- ظرف آبخوری- سودای ناله
۶- حرارت بالای بدن- واحد پول کشورمان- کله پا
۷- گوارا- وسیله بازی تنیس- مساوی
۸- آبرو و عصمت- شلاق- اجاره خانه
۹- کلاتر- کم و ناچیز- خانه
۱۰- همراه تلنگی- شهری در ایتالیا- بسیار زیاد
۱۱- خودروی ده نفره- سزاوار بودن- به سمت راست گرویدن
۱۲- از ماه‌های رومی- خانه چوبین- زیبایی
۱۳- از پهلوانان ایرانی شاهنامه و پسر گودرز- بنیانگذار- قسمتی از پا
۱۴- ذره باردار الکتریکی- نوعی بستنی- شاعر طوسی
۱۵- هنر رزمی سه هزارساله ژاپن- صاحب لقب شیخ رئیس
سایر کلمات
توت سه گل- داربست زیر
های مو
توت
فرمان و آخر- گرانها- طرز قرار گرفتن
آن یک تیم در پشت‌های گوناگون
پاییزی- پایتخت غنا- چشمک
نمان!
ورشیدی- شاخه باریک درخت- ماه
سال میلادی
خود راضی- توان- خواهش و تمنا
و تقسیم و نازا- نوعی غذای ایتالیایی-
پاینده حقوقی- عداوت و دشمنی-
عملی مقدار حرارت
ترکی- توقف کردن- آقا و سرور
چپی مطبوعات- سخنان پر معنا-
هشتی
خوهر و برادر- میوه هندی-
م‌گلزن اسبق تیم پرسپولیس
نداد- چاندانه- برگ برنده
سخن به رمز و اشاره- خوراک
بندر معروف فرانسه
اه میانبر!- آماده فداکاری شدن
سایر کلمات
برنده وحشی حداد گوشت- امتیاز
سایر کلمات
م‌گرم مدل

جدول شرح درمتمن

[illegible]

نماد $\bar{X}$ که بر اساس تعداد رقم دسته‌بندی شده‌اند در جای مناسب خود در جدول قرار گیرند. ما باید با توجه به راهنمای جدول که برایتان قرار داده‌ایم: جای اعداد را حدس بزنید و در جدول بگذاری نمایش دهید.

رقمی:	رقمی:	رقمی:
۶۶۳۷	۱۱۴۹۵	۳۲
۲۱۳۲۸۲۶	۷۸۴۲۹	۴۳
۴۳۲۹۴۹۹	۷۸۸۳۷	۵۶
	۸۶۱۸۱	۶۸
	۸۶۷۳۶	۷۴
رقمی:	رقمی:	رقمی:
۸۵۶۹۳۲۷	۳۸۸۸۴	۸۱
۴۴۶۸۲۱۱	۴۵۸۹۶	۸۴
۶۱۲۴۴۹۷	۴۷۶۲۹	۸۸
۹۱۷۷۸۸۷	۴۸۹۵۵	
	۴۵۸۷۲	
	۹۸۶۱۹۴	

کو

سودوکو سامورایی با نام سودوکو ۵ تایی، ۵ قلو یا تو در نو تیز شناخته می شود. ترکیب آن سودوکو ۵ تایی و سه تایی از این نوع سودوکو نیز مرسوم است اما نوع ۵ در آن دارای جذابیت بیشتری است.

در این نوع سودوکو یک مربع ۹ در ۹ در وسط قرار دارد و با چهار مربع ۹ در ۹ دیگر در چهار تپاط است.

هر جدول سودوکو دارای اعداد اولیه مربوط به خود است اما نکته اصلی اینجااست که هیچ یک از جدول های سودوکو به تنهایی حل نمی شوند.

برای حل سودوکو سامورایی با اعدادی را در هر جدول سودوکو بدست یاباورید، در اینصورت برخی از این اعداد با مربع میانی مشترک خواهند شد و سبب مشخص شدن اعدادی می شوند. مربع میانی می شود. همین روند باید به طور مستمر ادامه یابد تا از هر جدول سودوکو عددی بدست آید.

قانون سودوکو معمولی تنها راه حل سودوکو سامورایی است. دقت کنید سودوکو سامورایی نیز تنها دارای یک جواب منحصر به فرد است.

[illegible][illegible]

پاسخ‌های شماره قبل

[illegible]

۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
م	ت	م	ق	ا	ر	ی	ف	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا
ش	ف	ا	د	م	د	ا	ن	ا	ن	ا	ن	ا	ن	ا
ر	ن	و	د	ا	د	ی	ا	ح	ا	د	ی	ا	ح	ا
و	ر	ی	و	س	ر	و	س	د	ا	ن	ه	ک	د	ا
ر	ا	ر	د	ی	ش	ا	ر	د	ا	ر	د	ا	ر	د
ه	ا	ن	ه	ا	ی	ا	ن	ا	ک	س	ا	ا	د	م
و	ب	و	ا	ع	ت	ف	ا	ن	ا	ن	ا	ا	د	ای
ر	گ	ر	ا	ی	ک	ا	ر	ای	ر	ای	ا	ن	ای	ه
ا	ن	و	ا	س	ا	ل	ا	پ	ا	ن	ا	ا	ن	ا
ه	ا	گ	ا	ی	ش	ن	ی	و	ر	و	ن	و	ن	ک
ن	ر	ن	ر	ب	ر	ا	ی	ا	و	ر	ا	ی	ا	ر
ا	م	ا	ت	م	ا	ن	ا	ی	ه	ل	ا	ی	ا	ز
ا	و	ل	ا	ا	ا	خ	ا	م	ا	ی	م	ی	و	ل
ای	س	ت	ای	ر	ا	د	ا	ش	ی	ای	ات	ای	ات	ای
ی	ت	ه	ی	ای	م	ای	ن	ای	ز	ل	ت	ای	ن	ت

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شرکت هفت صبح ماندگار
 زبر نظر: شورای سردبیری
 مدیر هنری: وحید غفاری
 دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذرپور

دبیر ورزش: امید ذاکری نیا
 دبیر حوادث:فاطمه شیخ علیزاده
 دبیر بین الملل: رامتین لطیفی
 ویراستار: فرزانه اختیاری و مرتضی کللی

هفت صبح

پزنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با
 اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت
 ممنوع و قابل پیگیری قانونی است

pr@7sobh.com
 www.7sobh.com

کد پستی ۱۹۸۸۶۴۴۳۵۱
 شماره پیامک:۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
 توزیع:دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم

اذان صبح:۳:۰۳ | طلوع آفتاب:۴:۴۹ | اذان ظهر:۶:۱۲ | غروب آفتاب:۱۹:۲۴ | اذان مغرب: ۱۹:۴۵

شکر گزاری

شاه کلید رسیدن به تمام آرزوها



مجید فراهانی‌راد
 هفت صبح

شکر گزاری قویترین ارتعاش به جهان هستی است هر چقدر بیشتر بابت نعمت‌ها و داشته‌های‌تان شکر گزار باشید خداوند نعمت‌های زیادی را وارد زندگی‌تان خواهد کرد. این کار یکی از ساده‌ترین راه و روش‌ها برای ایجاد احساس خوب در شماس‌ست. در این مطلب می‌خواهیم به شما بگوییم چطور می‌توانید با استفاده از قانون شکر گزاری نعمت‌های فراوان را جذب زندگی‌تان کنید.

انسان شکر گزار کسی است که تمام توجه‌اش بر روی موضوعات مثبت زندگی است. موضوعاتی که باعث می‌شود احساس خوبی در شما ایجاد شود و همین حال خوب، تاثیرش را در زندگی‌تان می‌گذارد. برای اینکه بهتر درک کنید شکر گزاری چطور شما را به خواسته‌ها و آرزوهای‌تان می‌رساند باید با عملکرد قانون جذب آشنا باشید.



قانون جذب

قانون جذب به زبان ساده می‌گوید که وقتی به چیزی توجه و فکر می‌کنید آن را در زندگی‌تان جذب می‌کنید. به عنوان مثال وقتی به بی پولی، بیماری و نبود کار فکر می‌کنید «قانون جذب» بی پولی، بیماری و بیماری را وارد زندگیتان خواهد کرد. و دقیقا برعکس وقتی به پول و ثروت توجه می‌کنید بر اساس قانون جذب، پول و قانون جذب ثروت بیشتری را وارد زندگیتان می‌کنید.

قانون جذب بر اساس قانون ارتعاش عمل می‌کند. قانون جذب یک قانون ثانویه است و قانون اولیه قانون ارتعاش است.

وقتی به هر چیزی فکر می‌کنیم در حال فرستادن ارتعاش آن به کائنات و جهان هستی هستیم. کائنات با توجه به ارتعاشی که از ما دریافت می‌کند خواسته یا ناخواسته ای را وارد زندگی ما می‌کنند. ذهن انسان یک دستگاه تولید کننده فرکانس و ارتعاش به جهان هستی و کائنات است.

برای اینکه بتوانید به آن خواسته و هدفی که دارید برسید باید ارتعاش خواسته و هدف آن را به کائنات ارسال کنید. یعنی به جای ارتعاش منفی باید ارتعاش مثبت به کائنات بفرستید. برای اینکه ببینید ارتعاش که به کائنات میفرستید منفی است یا مثبت باید به احساسات‌تان توجه کنید.

احساسات‌تان دقیقا مانند قطب نما عمل می‌کنند. وقتی احساس‌تان خوب است در حال فرستادن ارتعاش مثبت به کائنات هستید و وقتی احساس‌تان بد است باید احساس‌تان را خوب کنید زیرا در احساس بد شما در حال فرستادن ارتعاش منفی به کائنات و جهان اصلی هستید. شکر گزاری یکی از ساده ترین کارهای است که که باعث می‌شود احساس خوبی پیدا کنید و ارتعاش مثبت به کائنات بفرستید. هنگامی که احساس‌تان بد است و احساس خوبی ندارید برای خوب کردن احساسات‌تان می‌توانید از قانون شکر گزاری استفاده کنید.

چگونه شکر گزاری کنیم؟

در دفتر یا بر گه‌ای، می‌توانید بابت نعمت هایی که دارد ی بابت خواسته‌ها و آرزوهایتان شکر گزار خدا باشید. برای استفاده از قانون شکر گزاری می‌توانید از جملات تاکیدی مثبت استفاده کنید. به عنوان مثال:

- خدا یا شکر ت که احساس عالی دارم**
- خدا یا شکر ت که روز به روز تروتمند تر می شوم**
- خدا یا شکر ت بابت چشمان بینایی که دارم**
- خدا یا شکر ت بابت شغلی که دارم**
- خدا یا شکر ت بابت پدر و مادر سالمی که دارم**
- به این صورت می‌توانید برای شکر گزاری از خدا از جملات تاکیدی مثبت همراه با کلمه «خدا یا شکر ت» استفاده کنید**

اولین روش شکر گزاری از نعمت‌ها و داشته‌های‌تان است. در این روش شما باید بابت تمام نعمت‌هایتان شکر گزار باشید.

دومین روش در شکر گزاری، شکر گزاری از آرزوها و خواسته‌هایتان است. شما می‌توانید یک لیست کامل و جامع از خواسته‌ها و آرزوهایتان طراحی کنید و یا در دفتر چه شکر گزاری‌هایتان بنویسید و هر روز بابت خواسته‌ها و آرزوهایتان شکر گزار خداوند باشید.

می‌توانید یک لیست شکر گزاری روزانه برای خود‌تان طراحی کنید و هر روز صبح بعد از اینکه از خواب بیدار شدید تمرین شکر گزاری را انجام دهید.

آپهی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي اراضي و ساختمانهای فاقد سند رسمي حوزه ثبتي تويسركان

نظر باینکه هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي اراضي و ساختمناهای فاقد سند رسمي مسفر در اداره ثبت اسناد و املاک تويسركان به موجب رای شماره ۱۴۰۳۰۳۲۶۰۴۰۰۰۲۴۷۳ مورخه ۱۴۰۳/۰۹/۲۰ تصرفات مالکانه حجت اله گمار فرزند مرتضی متقاضی در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۴۷۳/۴۴ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۱۰ اصلی واقع در بخش ۱ تويسركان مجز گردیده است. لذا مفاد رای صادره باسنادنا ماده ۳ قانون و ماده ۱۲ آیین نامه قانون مذکور در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در این روزنامه آپهی می گردد در صورتیکه شخصی یا اشخاص ذنبفع به رای صادره اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار این آپهی تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت تويسركان تسلیم و رسید عرض حال جهت ارائه به دادگاه صالحه در نمایندگان معترض باید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع قضایی دادخواست تقدیم و رسیدن آن را به ثبت محل ارائه نمایند در غیر اینصورت متقاضی می تواند گواهی عدم دادخواست را از دادگاه دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید که اداره ثبت ثبت بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتي را برابر مقررات ادامه خواهد داد. ضمنا صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نمی باشد. م‌الف:۲۳۱۲

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۲۱

تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۴/۰۴/۱۰

محمد علی جلیوند

مدیر واحد ثبتي حوزه ثبت ملک تويسركان

راهکارهایی برای یک آخر هفته جذاب

برنامه‌تون برای آخر هفته چیه؟



امیر آرام
 هفت صبح

اولین آخر هفته پس از پایان جنگ ایران و اسرائیل فرصتی طلایی برای تقویت ارتباطات خانوادگی است که در فرهنگ غنی ایرانی، ریشه‌های عمیقی دارد. خانواده‌ها بیش از هر چیز، نیازمند توجه به پیوندهای عاطفی خودشان هستند که به هر دلیلی ممکن است در دوره بحرانی دو هفته اخیر تضعیف شده باشد.

جنگ، با ایجاد استرس و دوری، می‌تواند فاصله‌های عاطفی را در خانواده‌ها افزایش دهد. والدین ممکن است به دلیل نگرانی‌های مالی یا امنیتی، کمتر به نیازهای عاطفی کودکان و یکدیگر توجه کنند و فرزندان نیز ممکن است احساس ناامنی یا انزوا می‌کنند. اولین آخر هفته، با تکیه بر سنت‌های دیرین ایرانی، می‌تواند این شکاف‌ها را پر کند. دید و بازدید خانواده‌ها و بستگان در اولین آخر هفته پس از جنگ، نه تنها حس صمیمیت را زنده می‌کند، بلکه یادآور ارزش‌های مشترک ما ایرانیان است.

در فرهنگ غنی ایرانی، خانواده محور اصلی زندگی است و ارتباطات آن با احترام و محبت شکل می‌گیرد. این آخر هفته، فرصتی است

تهران و کوه‌هایش

از قصر تا زندان؛ هنوز پابر جا

سرگذشت استراحتگاه ییلاقی فتحعلی‌شاه در جاده قدیم شمیران



الیه باقری سنجری
 هفت صبح

تهران و کوه‌هایش، در پس صدای انفجارها، موشک‌باران‌های جنگ، با هر سقوط و برآمدن سلطنت و دولتی، روایان تاریخ پرفرازونشیب پایتخت سرزمینی بودند و هستند که هنوز چنان دژی محکم از تمدنش دفاع می‌کند. تاریخ در گ و پی فرهنگ و تمدن هر شهری جاری‌ست. در جایی شکل گرفته که رگ‌ها از بین نمی‌روند، نه با گذر زمان، نه با جنگ و نه با هیچ استبدادی که بخواهد آن را تغییر دهد. نشانه‌هایش هم تا آخر هر تمدنی باقی‌ست. حتی وقتی که روایتگر آن بنایی باشد که آجرهایش ریخته، ترکش گلوله و انفجار، به آن اصابت کرده، با توسط جنگ و غار تگران، ویران شده باشد اما انگار تا ابد، سرقلی آن تکه از زمین، به نام بنای تاریخی و روایت‌هایش شده است. یکی از این بناهای تهران که در طول تاریخ حیاتش، دستخوش تغییرات بسیاری شد و هنوز، در روایت‌ها، تاریخ روزهای آغازین آن باقی مانده، قصر قاجار است؛ از قدیمی ترین قصرهای پادشاهان قاجار که در محل تلاقی جاده قدیم شمیران با خیابان عباس آباد واقع شده است. این قصر را فتحعلی‌شاه قاجار ساخت؛ می‌خواست جایی داشته باشد که بعداز شکار در آن آرام بگیرد و چه جایی بهتر از بلندی تپه‌ای که چشم‌انداز آن شمیران، تهران، ری و کاخ‌های اشراف آباد و دوشان تپه بود. آن جا را انتخاب کرد و چهار برج چهار طرف آن قرار داد اما پنجره‌های بیرونی برای آن نداشت و کاخش را شبیه یک قلعه نظامی ساخت و از بالا خانه ورودی قصر، پایتخت، ق‌ر به‌ها و باغات اطرافش را نظاره می‌کرد. باغ‌های بسیاری هم اطراف این کاخ را احاطه کرده که به‌وسیله استخرها و نه‌رهای بر آبی، از یکدیگر تفکیک می‌شدند. در واقع این قصر، کاخ ییلاقی فتحعلی‌شاه بود. که علاقه‌اش به شکار و زندگی این قصر به شکارگاه‌های آن زمان، او را به اقامت در آنجا ترغیب می‌کرد؛ حتی گفته شده که در سه ماه بهار ۱۲۸۴ خورشیدی، به‌طور کامل در آنجا اقامت داشت.

نمایش چنگیز و تیمور بر دیوار کاخ قاجاری ناصر عجمی، در کتاب دار الخلافه تهران، نوشته که اتاق‌های این کاخ، مانند بسیاری از ساختمان‌های مجلل دیگر ایرانی، پر از تزئینات داخلی بوده، مثل آیینسه‌کاری، گچ‌کاری و اکلیل‌کاری. صحنه‌های حماسی ایرانی از زندگی چنگیزخان و تیمورلنگ هم بر دیوار اتاق‌های آن نقش بسته بود. نقش‌های جذابی که در سالال ۱۲۲۱، پیر آمدی ژوربر، فرستاده پاپلئون به دربار فتحعلی‌شاه، در کتاب مسافرت به ایران و ارمنستان، از آن‌ها یاد کرده. در منابع دیگر هم آمده که بر دیوارهای جایگاه مخصوصی که در بالا خانه این پادشاه قرار داشت، تصاویری از شاهزادگان قاجاری نقاشی شده بوده است. همچنین بر این بنا، نقوش برجسته‌ای از چهار زن که یکی از آن‌ها سر تا پا مسلح بود، حجاری شده است. نور فیکای داخلی این کاخ هم، از حیاط چهار گوشه تأمین می‌شد که در میانه بنا قرار گرفته و در وسط آن، حوض بزرگی نشسته بود.

استراحتگاهی که تا آرام شد

پس از فتحعلی‌شاه، این کاخ ییلاقی محبوب او، از رونق افتاد تا آنجا که در اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه، این قصر کارایی خود را از دست داد و به یک مرکز نظامی تبدیل شد. به نظر می‌رسد که این کاخ در حدود نیم قرن بعد از احداث آن متروک و برای استقرار نیروی قزاق در اختیار کلنل کاساگوفسکی گذاشته و تبدیل به محل قراق خانه گردید؛ این‌ها را اعتمادالسلطنه در یادداشت‌های روزانه خود نوشته است.

قصر قاجار، پس از مظفرالدین‌شاه، به دست اداره نظمیه افتاد اما هنوز سرا بود. تا اینکه در سال ۱۲۸۴، بر اثر بارش شدید باران که سیل گسترده‌ای به راه انداخت، تخریب شد. بی‌مهری به این کاخ، فقط مخصوص قاجاری‌ها نبود و به دوره پهلوی هم رسید. در آن زمان، سوئدی‌ها بر نظمیه تهران نظارت داشتند که ساختمان نظمیه با توپ ویران شد و زندانیانی که در ساختمان بلده محصور بودند، همگی آزاد شدند و عملا زندان از بین رفت. با روی کار آمدن رضاشاه، سررتیب در گاهی، رئیس نظمیه تقاضای یک محل وسیع

پس از فتحعلی‌شاه، این کاخ ییلاقی محبوب او، از رونق افتاد تا آنجا که در اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه، این قصر کارایی خود را از دست داد و به یک مرکز نظامی تبدیل شد. به نظر می‌رسد که این کاخ در حدود نیم قرن بعد از احداث آن متروک و برای استقرار نیروی قزاق در اختیار کلنل کاساگوفسکی گذاشته و تبدیل به محل قراق خانه گردید؛ این‌ها را اعتمادالسلطنه در یادداشت‌های روزانه خود نوشته است.



عکس روز



عروسی با رنگ و بوی دلار

جف بزوس و لورن سانچز در مراسمی چند میلیون دلاری، این هفته در ونیز ازدواج می‌کنند؛ با ۲۰۰ مهمان، تدابیر امنیتی شدید و اعتراض‌هایی که از خیابان تا کانال‌های آبی شهر را در بر گرفته است



رامتین لطیفی
 هفت صبح

در قلب ونیز، شهری افسانه‌ای که زیبایی بر آب‌هایش غوغا می‌خورد، یکسی از جنجالی‌ترین و پرهزینه‌ترین مراسم‌های ازدواج سال در حال بر گزاری است: پیوند بنیانگذار آمازون، جف بزوس، با لورن سانچز، خبرنگار پیشسین که این روزها بیش از هر چیز چهاره‌ای بر رنگ در دنیای سلبریتی‌ها و شبکه‌های اجتماعی است اما این جشن رویایی، هم‌زمان بدل شده به صحنه‌ای از تقابل‌های طبقاتی، دغدغه‌های محیط‌زیستی و نارضایتی‌هایی که حتی سکوت سنگفرش‌های قرون‌وسطایی ونیز را نیز شکسته‌اند. با وجود سکوت رسانه‌ای سفت‌وسخت تیم بزوس، از جمله نمایان‌ترین نشانه‌های عدم افشا توسط مهمانان، اطلاعات و شایعات با سرعتی نجومی در گردش‌اند. از محل برگزاری گرفته تا نام طراح لباس عروس، همه چیز در هاله‌ای از راز پیچیده شده اما هر روز جزئیاتی تازه به بیرون درز می‌کنند. یکی از پر حرف‌ترین مکان‌ها، کافه افسانه‌ای «هری» در نزدیکی میدان سن مارکوست؛ جایی که روز گاری همگونی نوشیدنی محبوبش را می‌نوشید و امروز گارسون‌ها امیدوارند شاید داماد میلیاردی را یکی از ۲۰۰ مهمان بر زرق و برفش برای چشیدن یکی از همان نوشیدنی در آنجا توقف کنند.

برنامه‌ریزی مراسم به دست زوج خلاق ایتالیایی، لاتزا و باوچینا، سپرده شده؛ همان‌هایی که پیش‌تر مراسم باشکوه ازدواج جرج کلونی و امل اعل‌الدین را در کانال گراند طراحی کرده بودند اما این بار، چالش‌ها فراتر از هماهنگی‌های لوکس پیش روی آنهاست. گروه‌های معترض محیط‌زیستی، از جمله «ونیز جای بزوس نیست» و «گرین پیس» با برپایی تابلوهای تهدید به مسدود کردن مسیرهای آبی، تلاش دارند مراسم را مختل کنند. آنها معتقدند حضور بزوس در شهری که با ترافیک توربستی و بحران زیست‌محیطی دست به گریبان است، نماد تمام چیزی است که نباید در ونیز اتفاق بیفتد. تأثیر اعتراض‌ها از حالا حس می‌شود. یکی از فعاله‌های جانیی که گفته می‌شود قرار بود در قلب شهر برگزار شود، حالا به منطقه آرسنال، خارج از مرکز تاریخی، منتقل شده است. آرسنال که پیش‌تر یکی از بزرگ‌ترین